

خروج از ره عقل و فضیلت

بازخوانی مواضع و عملکرد شریعتمداری در برابر نهضت امام خمینی (س)

اصغر حیدری*

◆ اشاره

فراگرد تحولات در ایران با سرعت زیاد در جریان است. هیچ روزی نمی‌گذرد که جمهوری اسلامی در سطح داخلی و جهانی با مسائل جدیدی روبه‌رو نگردد. هر روز جریانی تازه، ائتلافی جدید و تهاجمی نو به ساختار نظام جمهوری اسلامی و عملکرد آن شکل می‌گیرد که دور از انتظار نبوده و نیست. اگر چه این چالش‌ها به نوعی حرکت سازندگی نظام جمهوری اسلامی را کند خواهد کرد اما موج جدیدی از بیداری روزافزون و آگاهی بیشتر و قوی‌تر ملت ایران را از محیط پیرامون و دوستان و دشمنان آن به همراه خواهد داشت.

همه ما تصور می‌کردیم که ممکن است آرمان‌های امام از ناحیه دشمنان انقلاب اسلامی و نظام جمهوری

* کارشناس ارشد ایران‌شناسی.

اسلامی مورد تهاجم جدید قرار گیرد اما کسی باور نمی‌کرد روزی بعضی از دوستان انقلاب و سرسپردگان به نظام جمهوری اسلامی که همه اعتبار، عزت، قدرت، آزادی و مکنت خود را مدیون جمهوری اسلامی و آرمان‌های امام خمینی هستند، این سرسپردگی را مورد تردید قرار دهند و با کسانی، جریان‌اتی، احزاب و گروه‌هایی در داخل و خارج هم‌صدا شوند که هیچ‌گاه در تیشه‌زدن به ریشه استقلال، آزادی، کرامت، فرهنگ و هویت ملت ایران تردیدی به خود راه نداده‌اند. همه این اتفاقات به ما می‌آموزد که اگر قرار است تاریخ عبرت باشد باید صفحات آن پیوسته ورق خورده و رخدادها بازبینی شود.

ما با تعمیم رخدادهای تاریخی، خود را با الگوهای رفتاری انسان‌ها و تجربه‌های آنها در همه ادوار همساز می‌کنیم و با این همسازی امکان پیشرفت جامعه خود را فراهم می‌سازیم. جامعه‌ای که پیوسته خود را با توصیف‌های تاریخی ارزیابی عقلانی می‌کند محال است در گردنه‌های سخت دگرگونی و اعتلا، سقوط کند.

مورخ در فرآیند بررسی‌های تاریخی عموماً به دنبال اسناد، مدارک و شواهد می‌گردد. این شواهد اگر چه بخشی به صورت نشان‌های خاص وجود دارد ولی بخش اعظمی از این شواهد به صورت متن می‌باشد. حال سؤال این است که یک مورخ متن‌های تاریخی را چگونه باید تفسیر کند تا جامعه از طریق این تفسیر به درک درستی از سنت‌های فرهنگی خود نایل آید و این سنت‌ها را فراروی رفتارهای اجتماعی حال و آینده قرار دهد؟

ما همه انتظار داریم که توصیف‌های مورخ از گذشته معتبر باشد اما نمی‌دانیم که چنین اعتباری چگونه به دست می‌آید.

اکنون کشور ما در شرایطی قرار دارد که بازخوانی پاره‌ای از رخدادهای تاریخی برای آن ضروری است. مخالفان جمهوری اسلامی با همکاری‌های سازمان یافته، به دنبال آن هستند که نظام را در شرایطی قرار دهند که از اجبار برای کنترل نارضایتی و حفظ الگوهای کنش اجتماعی استفاده نمایند و ما می‌دانیم که استفاده از اجبار پیامدهای پیچیده‌ای دارد.

جمهوری اسلامی دارای ظرفیت‌های مردمی بسیار بالایی است. هر نظامی که دارای ظرفیت‌های مردمی باشد برای ایجاد الگوهای ثبات اجتماعی نیاز به استفاده از اجبار ندارد بلکه نیاز به آگاهی مردمش دارد و این همان چیزی است که مخالفان نظام از آن وحشت دارند.

بازخوانی پیوسته رخدادهای تاریخی یکی از بسترهای مناسب آگاهی‌بخش به مردم است؛ مخصوصاً رخدادهایی که هنوز آثار آنها در زندگی اجتماعی ما قابل لمس است. انتخابات دهم ریاست جمهوری به

ملت ما نشان داد که نباید آنچه را بعضی از گروه‌ها، شخصیت‌ها و جریان‌ها در این سه دهه بر ملت ما تحمیل کردند از یاد ببریم.

مقاله حاضر پیرامون یکی از این افراد است. شاید عده‌ای معتقد باشند که طرح مجدد مسائل مربوط به این جریانات و افراد که مرده‌اند و از حافظه بعضی‌ها پاک شده‌اند، چه لزومی دارد! این تصور در آن دورانی که فصلنامه پانزده خرداد دور سوم فعالیت خود را در سال ۸۳ آغاز کرد و از همان شماره اول به نقد خاطرات منسوب به آقای منتظری پرداخت، توسط بعضی از ساده‌انگاران مطرح شد؛ پیوسته به ما می‌گفتند داستان آقای منتظری تمام شده است؛ طرح مجدد این پیرمرد که مشاعر خودش را از دست داده و در گوشه‌ای به کار خود مشغول است و تأثیری در رخدادها ندارد چه ارزشی دارد؟ در آن سال‌ها پاسخی که به این افراد دادیم این بود که منتظری بیش از آن که یک شخص باشد یک جریان مرموز و ضربه‌خورده از امام و ولایت فقیه است. جریانی که امام به‌درستی ماهیت آلوده و عمق نفاق درونی آن را شناخت و آینده آن را پیش‌بینی کرد. این جریان اگر کمترین روزنه‌ای پیدا کند مانند یک ویروس خود را بازسازی خواهد نمود.

وقایع انتخابات دهم ریاست جمهوری و دخالت مستقیم باند مهدی هاشمی قاتل و فتاوی غلاظ و شداد منتظری علیه نظام ولایت فقیه و از همه عجیب‌تر رجوع بعضی از کسانی که در انتخابات نتوانسته بودند اعتماد مردم را جلب کنند به منتظری، برای به صحنه آوردن این جریان که با فرمان و دستور امام قرار بود به بایگانی تاریخ سپرده شود!! همه و همه نشان داد که چنین جریاناتی در هر لحظه و هر دم در مقابل نظام‌های حق خود را بازسازی کرده و با امواج مختلف وارد صحنه خواهند شد.

سخن ما با دوستان این بود که از کارخانه تولید نفاق در تاریخ اسلام و جریان‌های عدالت‌خواه اسلامی لحظه‌ای نباید غافل شد؛ این کارخانه استعداد عجیبی برای بازسازی ضایعات تاریخی و نابودی هسته و حفظ ظاهری پوسته دین دارد و کسانی را به هم متصل خواهد کرد که هیچ‌گاه تصور نمی‌شد اینها در کنار هم قرار بگیرند و با دعوت‌ها و فتواهای خود پشتوانه هم گردند. عجیب است که این پیمان‌های تازه شکل گرفته به نام امام، انقلاب اسلامی و ارزش‌های انقلابی منعقد می‌شود اما حتی برای یک لحظه کسانی که در این پیمان‌های شوم قرار گرفته‌اند از خود سؤال نکردند مگر جریاناتی شبیه شریعتمداری و منتظری را امام به بایگانی تاریخ نفرستاد؟! پس چگونه می‌توان به‌نام دفاع از امام، انقلاب اسلامی و میراث گراندقدر امام یعنی ولایت فقیه، چنین جریاناتی را که به امام و انقلاب خیانت کردند به صحنه آورد و دوباره به جان ملت ایران و آرمان‌های امام انداخت؟!!

مسئله آقای شریعتمداری نه به عنوان یک فرد بلکه به عنوان یک جریان، از آن دسته رخدادهایی است که نباید تصور کرد به بایگانی تاریخ سپرده شده است؛ تاریخ دو دهه اخیر انقلاب نشان می‌دهد که این جریانات را منافقین در هر فرصتی چماق خواهند کرد و بر سر ملت ایران خواهند کوبید. بازخوانی پیوسته تاریخ این جریان‌ها یک ضرورت اجتماعی در تاریخ تحولات دوران اخیر است که نباید اجازه دهیم از حافظه تاریخی ملت ما حذف شود.



◆ تبیین مسئله

در بررسی مواضع و عملکرد شریعتمداری از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۱ با ابعاد گوناگون شخصیتی و فراز و فرودهایی مواجه می‌شویم که باید با دقت مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند تا دید واقعی و به دور از حب و بغض راجع به وی به دست آید. به اعتقاد نگارنده که بیشتر اسناد به جای مانده از دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی، انتظامی و حتی اداری رژیم پهلوی پیرامون شریعتمداری را مطالعه و مورد دقت قرار داده است، نوع تعامل و موضع‌گیری وی در مقابل امام خمینی را می‌توان به چهار دوره اساسی تقسیم کرد:

۱. سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۳ یعنی شروع نهضت امام تا تبعید ایشان؛
۲. سال‌های بین ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۶ یعنی از تبعید امام تا شروع دیگر باره نهضت؛ اساس فعالیت‌های شریعتمداری در این سال‌ها را تعامل با رژیم پهلوی، تلاش جهت افزایش نفوذ مرجعیت خود در داخل و خارج کشور و به ویژه مقابله با همه‌گیر شدن مرجعیت امام خمینی تشکیل می‌داد. نمونه بارز این امر ترجمه و انتشار رساله شریعتمداری در کشورهای اروپایی و ترکیه می‌باشد. یکی دیگر از نمونه‌ها، ارسال برخی از روحانیان طرفدار شریعتمداری با هماهنگی و همکاری ساواک، به افغانستان، پاکستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس جهت

معرفی وی به عنوان مجتهد اعلم و سوق شیعیان این کشورها به طرف او بوده است؛^۱

۳. سال‌های توفانی ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ با این خصوصیات: اوج‌گیری قیام خونین مردم ایران، از بین رفتن رژیم پهلوی، تلاش فراوان شریعتمداری جهت کاستن از سرعت انقلاب، جلوگیری از پیروزی آن و ممانعت از شکست و از بین رفتن رژیم پهلوی؛

۴. سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ با این ویژگی‌ها: مخالفت صریح شریعتمداری با قانون اساسی به دلیل گنجانیدن اصل ولایت فقیه در آن، حمایت بی‌وقفه وی از فتنه حزب خلق مسلمان ایران در آذربایجان که از اهداف اصلی حزب مذکور جلوگیری از تأیید قانون اساسی با اصل ولایت فقیه در همه‌پرسی قانون اساسی بوده است؛ این حزب در حقیقت ابزار اعمال فشار شریعتمداری علیه رهبر فرزانه انقلاب و حداقل به چنگ آوردن قسمتی از قدرت حاکمیت (مشخصاً در مورد آذربایجان) بود؛^۲ و در نهایت حمایت از کودتای صادق قطب‌زاده با هدف شهادت امام، به چنگ آوردن زمام امور کشور و ترفیع درجه شریعتمداری به منصب ولایت فقیه‌ی صوری، که سال‌ها بود در شوق رسیدن به آن می‌سوخت! عاقبت شریعتمداری مرجعیت خویش را نیز بر سر آن باخت.

در این مقاله به مواردی از مواضع و عملکردهای شریعتمداری در برابر نهضت امام خمینی می‌پردازیم. امید است خوانندگان گرامی از راهنمایی دریغ نورزند.

◆ انجمن‌های ایالتی و ولایتی و لوایح شش‌گانه شاه

پس از فوت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی، دولت لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را در ۱۶ مهر ۱۳۴۱ به تصویب رساند که در آن از شرایط انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان، قید

۱. اسناد این مطلب در کتاب *شریعتمداری به روایت اسناد* که توسط نگارنده تدوین و تحقیق شده، در اختیار مرکز اسناد انقلاب اسلامی قرار دارد که امید است به زودی منتشر شود.

۲. در این مورد رک: اصغر حیدری، *حزب خلق مسلمان ایران*، کیهان، تهران، ۱۳۸۷.

سوگند به قرآن حذف می‌گردید. مراجع و به ویژه امام خمینی احساس خطر نمودند که دولت درصدد اجرای سلسله اموری بر خلاف اسلام و قرآن است؛ لذا به مقابله با لایحه مذکور پرداختند و عاقبت در ۲۴ آبان همان سال، دولت مجبور شد اعلام کند که از اجرای لایحه منصرف شده است.

نزدیک دو ماه بعد یعنی در ۱۹ دی ۱۳۴۱ شاه اعلام کرد قصد دارد اصول شش‌گانه‌ای را به همه‌پرسی بگذارد و با تصویب ملت، اصول مذکور را عملی سازد. ^۱ با توجه به اینکه این اصول، زندگی اکثریت جامعه مسلمان ایران را تحت تأثیر قرار می‌داد و در امور بسیار مهم فرهنگی، تربیتی و اقتصادی تغییرات اساسی ایجاد می‌کرد، مراجع و روحانیان در مقابل آن واکنش نشان دادند. آنها انجام همه‌پرسی و ایجاد تغییرات اساسی در امور مذکور توسط شاه را خلاف قانون اساسی که رژیم به آن تکیه می‌کرد

در مورد تأثیر اقدامات شریعتمداری در آزادی امام خمینی، عده‌ای از علمای حوزه علمیه قم بسیار مشکوک بودند و با انتشار جزوه‌هایی تحت عنوان «هیئت مصلحین حوزه علمیه قم» سخنان وی را به نقد کشیده و او را به خیانت، سازش با دولت، پیروی از هوای نفس، مخالفت با مبارزه و... متهم ساختند

می‌دانستند؛ چرا که در قانون اساسی، مقام سلطنت حق برگزاری همه‌پرسی را نداشت. از سوی دیگر، علما خود را به عنوان کارشناسان عالی فقه اسلامی و امین مردم، محق در اظهارنظر و

۱. اصول شش‌گانه شاه عبارت بودند از: ۱- الغای رژیم ارباب _ رعیتی با تصویب اصلاحات ارضی ۲- ملی کردن جنگل‌ها در سراسر کشور ۳- فروش سهام کارخانجات دولتی به عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی ۴- سهیم کردن کارگران در منافع کارگاه‌های تولیدی و صنعتی ۵- لایحه اصلاحی قانون انتخابات ۶- ایجاد سپاه دانش به منظور اجرای تعلیمات عمومی و اجباری.

سبک و سنگین کردن اصول شش‌گانه می‌دیدند و به درستی از دخالت قدرت خارجی یعنی آمریکا در القای اصول مذکور آگاه بودند.

با وجود مخالفت مراجع و تظاهرات مردم علیه اصول شش‌گانه، با اعمال زور حکومت و با دستور مستقیم شخص شاه، در روز ۶ بهمن ۱۳۴۱ اصول مذکور به همه‌پرسی گذاشته شد و به ادعای دولت با پنج میلیون و ششصد هزار رأی موافق و چهار هزار و صد و پنجاه رأی مخالف، به تصویب ملت ایران رسید!^۱

در این دو رویداد مهم، شریعتمداری همراه دیگر مراجع به مخالفت با اقدامات خودسرانه دولت پرداخت. وی در تلگرافی به اسدالله علم نخست‌وزیر وقت، الغا اسلام و قید نکوریت در انتخاب‌کننده و انتخاب‌شونده و تبدیل کلمه قرآن مجید به کلمه کتاب آسمانی را خلاف صریح قوانین شرع انور و اهانت به مقام شامخ و مقدس قرآن دانست.^۲ او در آذر سال ۱۳۴۱ نیز اقدامات دولت در زمینه اصلاحات ارضی را عوام‌فریبی دانست.^۳ اما چون با یورش نظامیان رژیم به مدرسه فیضیه در دوم فروردین ۱۳۴۲ مواجه شد و چنگ و دندان نشان دادن حکومت را دید، با توجه به روحیه خاصی که داشت ادامه مخالفت با حکومت را به صلاح خود ندید و در مذاکراتش با رئیس شهربانی قم در تاریخ ۱۳۴۲/۱/۱۸ قول داد در آینده هیچ‌گونه فعالیت و تحریکاتی علیه دولت و لوایح شش‌گانه ننماید؛ اعلامیه‌ای به چاپ نرساند و آیت‌الله خمینی را راضی کند که دست از مبارزاتش بردارد. اما بعداً به رئیس شهربانی قم اطلاع داد که نتوانسته

۱. برای توضیح بیشتر رک: روح‌الله حسینیان، ۳ سال ستیز مرجعیت شیعه (۱۳۴۳-۱۳۴۱)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲؛ بهمن خدایی، همه‌پرسی‌های رژیم شاه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱؛ سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی، عروج، ۱۳۸۶، ص ۲۵۲-۲۴۷.
۲. حسن شکرزاده، مبارزات امام خمینی به روایت اسناد (از آغاز نهضت تا تبعید به ترکیه)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳.
۳. همان، ص ۱۴۶.

آیت‌الله خمینی را به دست کشیدن از مبارزات راضی کند.^۱
 شریعتمداری در واقع از این زمان با ارتباطات آشکار و پنهان با سردمداران حکومت پهلوی و نیز خود شاه، از ادامه مبارزات دست کشید و به شهادت اسناد باقی‌مانده، تا حدود زیادی نقش بازدارنده از فراگیر شدن انقلاب علیه رژیم را ایفا نمود. از سوی دیگر، وی از هر فرصت به دست آمده جهت تبلیغ خود و پیشبرد افکارش در سطح جامعه استفاده می‌کرد. شریعتمداری در مورخ ۲۹/۲/۴۲ به پیشکار خود شیخ غلامرضا زنجانی گفت:

به هر طلبه‌ای که به منزل من می‌آید بگویند که آقا گفت محرم امسال تا می‌توانید برای من و خمینی تبلیغ نمایید و روی منابر بگویند مرجع تام شریعتمداری است و خمینی سرپرست طلبه‌هاست!^۲

وی چنین عنوان می‌کرد که «ما با اعلی‌حضرت همایونی اختلافی نداریم فقط با دولت اختلافی داریم که ممکن است حل شود».^۳

◆ قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲

با توجه به روحیه مردم مسلمان در ماه‌های محرم و نیز با توجه به ترسی که رژیم پهلوی از واکنش مراجع و مردم نسبت به حمله به فیضیه داشت و می‌دانست که مراجع و به ویژه امام خمینی در عاشورا اعتراض شدیدی خواهند کرد که ممکن است پیامدهای مهمی داشته باشد، از

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری؛ شریعتمداری بعد از فاجعه فیضیه در پیامی به امام خمینی گفت: «اینها برنامه‌شان این است که شما و من را از میان بردارند، اینها دستور دارند؛ برای من از تهران اطلاع آمده که برای این کار دستور دارند، قدری ملاحظه بکنید» امام در پاسخ پیام فرمودند: «آقای شریعتمداری ترسیده‌اند، تازه الان وقت کار است، الان وقت بهره‌برداری از فاجعه مدرسه فیضیه و روضه‌خوانی است!» *خاطرات آیت‌الله منتظری*، ج ۱، ص ۲۱۹.

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

۳. همان، (سند پیوست ش ۱).

روز ۲۲/۳/۱۲ گردان ویژه‌ای از مأموران شهربانی به دستور نصیری ریاست وقت شهربانی برای سرکوب تظاهرات ضد رژیم مردمی در ۱۳ خرداد (عاشورا) آماده شدند. اعلام خطر ساواک حاکی از این بود که «عده‌ای از اهالی جمکران با سلاح سرد و گویا سلاح گرم مجهز هستند و از (آیت‌الله) خمینی محافظت می‌نمایند و ممکن است به ساواک نیز تعرض نمایند»^۱ چنین گفته می‌شد که شریعتمداری در روز عاشورا در مدرسه فیضیه علیه دولت سخنرانی خواهد کرد. اما بعداً این خبر چنین اصلاح شد: «شریعتمداری به مدرسه فیضیه نخواهد رفت و در منزل سخنرانی خواهد کرد»^۲ آقای ابهری پیشکار شریعتمداری نیز به ساواک قم چنین رهنمود داد:

بعد از ظهر عاشورا درب مدرسه فیضیه قفل شود و چند تن از مأمورین انتظامی در داخل و پشت بام باشند و از ورود اشخاص جلوگیری کنند [در این صورت] تصور می‌رود که خمینی از رفتن به مدرسه فیضیه منصرف شود... چنانچه لازم شود چند تیر هوایی شلیک شود موضوع به کلی منتفی خواهد شد... اگر خمینی به مدرسه فیضیه برود جنجالی بپا خواهد کرد.^۳

تلاش مشترک رژیم و نزدیکان شریعتمداری جهت جلوگیری از سخنرانی امام خمینی به جایی نرسید و ایشان در سخنرانی تاریخی خود در عاشورای ۱۳۴۲ سخت به اعمال خلاف و جنایت‌های رژیم پهلوی مانند حمله به فیضیه و برگزاری فراندوم (همه‌پرسی) اصول شش‌گانه، حمله کردند و خطاب به شاه گفتند: «بدبخت، بیچاره، چهل و پنج سال از عمرت می‌ره، یک کمی تأمل کن، کمی عبرت بگیر...»^۴

شبانگاه ۱۵ خرداد، مأموران رژیم پهلوی، امام خمینی را به اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

۲. همان.

۳. همان، (سند پیوست ش ۲).

۴. رک: سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی، قم، دارالفکر، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۴۶۰-۴۵۶.

مملکت دستگیر و با خود به تهران بردند.^۱ خبر این دستگیری، قیام خونین ۱۵ خرداد را در پی داشت^۲ که مردم به صورت خودجوش در خیابان‌های تهران به تظاهرات و زد و خورد با مأموران رژیم پرداختند. در این مورد ارتشبد فردوست معتقد است: «اگر تظاهرات مردم رهبری می‌شد و مردم به سمت کاخ شاه هجوم می‌بردند، محمدرضا مانند سال ۱۳۳۲ از ایران می‌گریخت.»^۳ در شهر قم نیز تظاهرات شدیدی برپا شد و مردم در خانه‌های مراجع گرد آمدند و تقاضای اقدامات انقلابی داشتند. اما در این میان شریعتمداری از این اوضاع سراسیمه گردید و محرمانه با ساواک تماس گرفت و طبق گزارش ساواک تقاضا کرد:

خانه وی محاصره قرار گیرد و اجازه رفت و آمد داده نشود بنام ملاقات با اعلی‌حضرت به تهران حرکت و چند روزی مخفی شود به مشهد یا حضرت عبدالعظیم تبعید شود. ظاهراً دلیل پیشنهاد بالا را خلاصی خود از جوابگویی به مراجعین و رفع تکلیف وانمود می‌کند و می‌گوید در غیر این صورت مجبور به همدردی با خمینی خواهد بود.^۴

دو روز بعد از ۱۵ خرداد و کشتار مردم، شریعتمداری در تماس تلفنی با روحانیان طرفدار خود در تبریز، آنان را از ادامه اعتراضات علیه شاه باز داشت و به آنها چنین دستور داد: مردم را به آرامش دعوت کنید و از تظاهرات جدا خودداری شود، چون از تظاهرات نتیجه‌ای گرفته نخواهد شد؛ در قم مردم تظاهرات نمودند ولی با قوای انتظامی روبه‌رو شدند. آخر گلوله با جان مناسبت ندارد، پس باید از اجتماع و تظاهر جلوگیری نمایید.

۱. مبارزات امام خمینی به روایت اسناد، سند ش ۸۱؛ در مورد نحوه دستگیری امام رک: همان، سند ش ۹۰.

۲. جهت مطالعه بیشتر راجع به ۱۵ خرداد رک: جواد منصوری، تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.

۳. رک: حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست)، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۱۴-۵۱۳؛ جهت مطالعه مذاکرات هیئت دولت رژیم پهلوی در ۱۵ خرداد ۴۲ و دستور کشتار مردم رک: متن کامل مذاکرات هیئت دولت طاغوت در پانزده خرداد ۱۳۴۲، تهران، هیئت دولت و روابط عمومی نخست‌وزیری.

۴. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری، (سند پیوست ش ۳).

سعی کنید به اعلیٰ حضرت معظم توهین و بی‌احترامی ننمایند... خواهش می‌کنم با شاهنشاه مخالفت نکنید و باعث ناراحتی او نشوید. من به خمینی گفتم که با شاه این‌طور رفتار نکن و بر خلاف دولت سیاست نزن اما او گوش نداد تا به این روز افتاد. در ضمن طوماری هم به نفع من تهیه نمایید.^۱

شریعتمداری همان‌گونه که به ساواک پیشنهاد کرده بود به شهر ری رفت و مدتی در آنجا ماند و در آنجا با رئیس ساواک ملاقات و پیرامون موضوعاتی با وی گفت‌وگو کرد.^۲

◆ مهاجرت علما و روحانیان به تهران

در اعتراض به حبس امام خمینی، بعد از واقعه ۱۵ خرداد جمعی از روحانیان شهرستان‌ها به تهران رفتند تا جهت آزادی حضرت امام تلاش نمایند. شریعتمداری هم که قبلاً از قم به تهران (شهر ری) رفته بود،^۳ هنگام عزیمت به تهران در حضور طلاب حوزه علمیه قم سوگند یاد نمود که تا آیت‌الله خمینی را آزاد ننماید به قم مراجعت نکند. علاوه بر آن، وی در اعلامیه ملایمی دولت را چنین مورد انتقاد قرار داد:

پایه دولت باید بر اتحاد و اعتماد و محبت افراد باشد نه به زور سرنیزه و زندان. دیگر دوران زور و سرنیزه گذشته است. با کشتن بی‌حد و حساب افراد بی‌گناه مسلمانان کارها اصلاح نمی‌شود و در مملکتی که مذهب رسمی آن تشیع و جز قانون اساسی است، صلاح نیست که دولت خود را مخالف جامعه روحانیت شیعه یعنی مخالف اکثریت ملت معرفی نماید.^۴

۱. همان، (سند پیوست ش ۴).

۲. همان، (سند پیوست ش ۵).

۳. طبق اسناد به‌جا مانده از ساواک، رفتن شریعتمداری به تهران با اخذ اجازه از ساواک صورت گرفت. برای دیدن

اسناد مربوط رک: شریعتمداری در دانشگاه تاریخ، سید حمید روحانی، ص ۶۱-۵۸.

۴. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

همان‌گونه که گفته شد شریعتمداری طرف مقابل خود را دولت می‌دید نه نظام شاهنشاهی و شخص محمدرضا پهلوی! این امر، هم از اسناد ساواک و هم از متن اعلامیه‌های وی هویداست. در اعلامیه‌های شریعتمداری، مواردی از بزرگداشت امام خمینی نیز به چشم می‌خورد. وی در همان اعلامیه، امام خمینی را شخصیت بزرگ عالم اسلامی معرفی کرده است. و در اعلام نظر راجع به امام خمینی چنین نوشته است:

حضرت مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله آقای حاج آقا روح‌الله خمینی دامت برکاته از مفاخر عالم اسلام و یکی از مراجع محترم تقلید می‌باشند و شخصیت دینی ایشان نباید بر کسی مخفی باشد.^۱

رژیم پهلوی قصد شومی نسبت به حضرت امام که در حبس بود داشت. شاه آشکارا گفته بود:

جز چند نفر [از علمای محبوس]، بقیه به‌زودی آزاد می‌شوند ولی آن چند نفر باید محاکمه بشوند و بدانند همه چیز و همه کار به دستور من و نظر خود من می‌باشد.^۲

علمای مهاجر به تهران، جهت جلوگیری از این کار چاره در آن دیدند که طی اعلامیه‌ای مراتب مرجعیت امام خمینی را گواهی کنند تا رژیم، امکان محاکمه و مجازات امام را نداشته باشد. البته در این میان طرفداران شریعتمداری شایع کردند که این امر به دست و با دستور شریعتمداری محقق شده است. خود وی نیز در صحبت روز ۱۳۴۲/۷/۱۷ مسجد اعظم چنین گفت:

ما در این مدتی که در تهران بوده‌ایم فعالیت‌های زیادی برای استخلاص آقای خمینی نموده تا اینکه او را آزاد کردیم؛ به طوری که قصد داشتند ایشان را اعدام کنند فعلاً آزاد است.^۳

۱. همان.

۲. همان، (سند پیوست ش ۵).

۳. همان، (سند پیوست ش ۶).



مجموعه اسناد به‌جا مانده از ساواک و شهربانی رژیم پهلوی، این ادعای شریعتمداری را که رژیم قصد اعدام امام را داشت و فعالیت‌های وی مانع از این امر شد، تأیید نمی‌کنند، بلکه جمع‌بندی نظریات بلندپایگان رژیم پهلوی از تاریخ ۱۳۴۲/۵/۶، تبعید امام به شهر سنندج بود؛ ساواک سنندج نیز جهت تحویل گرفتن امام آماده شده بود. ۱ اما در ۱۳۴۲/۵/۱۱ حکم تبعید امام ملغی شد.^۲

در زمینه انتشار اعلامیه مرجعیت امام توسط روحانیان و مراجع، حقیقت این است که عده‌ای از شاگردان امام که جزء فضایی حوزه علمیه بوده و بعدها به مراتب بالاتری رسیدند، گواهی مرجعیت امام را تهیه و به امضای علما و روحانیان رسانیدند.^۳ شایان دقت است که رژیم

۱. مبارزات امام خمینی به روایت اسناد، اسناد ش ۱۱۶ تا ۱۱۸.

۲. همان، سند ش ۱۳۰.

۳. رک: خاطرات آیت‌الله منتظری، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۴. جهت مطالعه اعلامیه‌های آیات مرعشی، گلپایگانی و آملی در

پهلوی و دستگاه اطلاعاتی آن، از سال ۱۳۳۵ امام خمینی را یکی از مراجع مقیم قم معرفی کرده‌اند که در ایالات مرکزی و غرب ایران مقلد دارند. همچنین در سند مورخ ۲۹/۳/۴۲ ساواک آمده است: «آیت‌الله خمینی پنج سال قبل رساله نوشته و مرجع تقلید است»^۱

اگرچه گواهی مرجعیت امام در آن دوران حایز اهمیت بود اما به نظر می‌رسد علت اصلی عقب‌نشینی رژیم از محاکمه و مجازات امام، ترس و هراس از پیامدهای آن بوده است؛ زیرا چنین امر خطرناکی مردم خشمگین و عصبانی را به عصیانی توفنده‌تر وا می‌داشت و علما و روحانیان را در صف واحدی قرار می‌داد.

شریعتمداری در روز ۱۲/۷/۱۳۴۲ از تهران به قم بازگشت و در اولین روز شروع به تدریس در مورد سفرش به تهران و اقامت چهار ماهه در آن به صورت مفصل سخنرانی نمود. وی در بخشی از سخنرانی گفت: «آن موقع که ما خواستیم به تهران برویم دستگاه مطلع شد و با شرایط بسیار سختی خود را به تهران و حضرت عبدالعظیم رساندیم» این ادعا در حالی مطرح می‌شد که طبق سند ساواک، وی خود پیشنهاد رفتن به شهر ری را داده بود تا مجبور به همدردی با امام خمینی نگردد! در بخش دیگری از سخنرانی شریعتمداری چنین آمده است:

موقعی که ما وارد شدیم، نظر داشتند آقایان را محاکمه و حتی محکوم کنند. چون گمان می‌کردند آیت‌الله خمینی و آقایانی دیگر، در این مبارزه مقدس تنها هستند. یکی از رجال بزرگ دولت وقتی پیش ما آمد از باب اعتراض گفتم: این حرف‌ها چیست که روزنامه‌ها می‌نویسند؟ چرا اجازه می‌دهید این دروغ‌ها را بنویسند؟ گفت مگر چه نوشته‌اند؟ گفتم نوشته‌اند عده‌ای از آقایان محاکمه و محکوم به مرگ می‌شوند. گفت این درست است و دروغ نیست؛ این آقایان به اشد مجازات محکوم می‌شوند! البته ما بیشتر از راه دلیل و منطق و اعتراضات قانونی وارد شدیم و گفتیم هیچ محکمه‌ای حق ندارد مجتهدین را محاکمه کند؛ گفت قوانین شامل حال همه است. من گفتم این قضایاتی که شما دارید

مورد مرجعیت امام خمینی(س) رک: مبارزات امام خمینی به روایت اسناد ساواک، سند ش ۱۱۴.

۱. مبارزات امام خمینی به روایت اسناد، اسناد ش ۱۰۰ و ۱۰۳.

صلاحیت این کار را ندارند چون اولاً آقایان کوچک‌ترین قدمی بر خلاف قانون برنداشته‌اند و به فرض اینکه چنین چیزی باشد، تخلف مجتهدین از این قوانین به عنوان وظیفه شرعی است، نه از لحاظ شخصی است. مثلاً اگر مجتهد تشخیص دهد این قانون بر خلاف شرع است حق دارد آن را رد کند چون در قانون اساسی مجتهدین حق رد یا امضای قوانینی که مخالف شرع باشد دارند. نظر آقایان مجتهدین طبق قانون اساسی مافوق این قوانین می‌باشد.^۱

البته در مورد تأثیر اقدامات شریعتمداری در آزادی امام خمینی، عده‌ای از علمای حوزه

علمیه قم بسیار مشکوک بودند و با انتشار جزوه‌هایی تحت عنوان «هیئت مصلحین حوزه علمیه قم» سخنان وی را به نقد کشیده و او را به خیانت، سازش با دولت، پیروی از هوای نفس، مخالفت با مبارزه و... متهم ساختند. در بخشی از این جزوات، دستگیری امام خمینی در نتیجه مشورت قبلی دولت با شریعتمداری دانسته شده زیرا که وی سخت از توجه مردم به آیت‌الله خمینی عصبانی و ناراحت بوده است.^۲

همکاری شریعتمداری با رژیم پهلوی ادامه یافت و وی بارها با مقام‌های بلندپایه ساواک، شهربانی، اوقاف، وزرای هیئت دولت و حتی شخص شاه ملاقات و گفت‌وگو می‌کرد. اسناد به جا مانده به خوبی گویای این نزدیکی و ارتباط‌های ویژه است

در زمینه درستی یا نادرستی ادعای اخیر نمی‌توان اظهارنظر کرد، اما با توجه به بخشی از سخنان شریعتمداری بعد از آزادی امام خمینی از زندان و حبس خانگی ایشان، به راستی می‌توان در مورد نقش مثبت او در آزادی مرحوم امام شک کرد. شریعتمداری در سخنرانی

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

۲. همان.

مورخ ۴۲/۷/۱۷ برای طلاب، حبس خانگی امام خمینی را در نتیجه مصلحت‌اندیشی خودش (خود شریعتمداری) عنوان کرده است. به گزارش ساواک سخنان وی چنین بود:

ما در این مدتی که در تهران بوده‌ایم فعالیت‌های زیادی برای استخلاص خمینی نموده تا اینکه او را آزاد کردیم... فعلا او آزاد است ولی ما مصلحت را در این دانستیم که با مردم تماس نداشته باشد و در منزل شخصی به سر برد.^۱

آیا رژیم پهلوی در مورد نحوه رفتار با امام خمینی، با شریعتمداری مشورت کرده بود؟! جزوات افشاگرانه تحت عنوان «هیئت مصلحین حوزه علمیه قم» علیه شریعتمداری توسط آیت‌الله سید حسن حجت منتشر می‌گردید که این دو اختلاف‌های اساسی با هم داشتند. در این جزوات گذشته شریعتمداری نیز مورد کندوکاو قرار گرفت و موارد منفی زیادی علیه وی بازگو شد. عاقبت سید حسن حجت تحت فشار ساواک مجبور به تبعیت از شریعتمداری گردید.

◆ همکاری با رژیم، مقابله با امام

از سال ۱۳۴۲ به بعد شریعتمداری به همکاری‌های متعددی با رژیم پهلوی پرداخت و متقابلاً مورد پشتیبانی سیاسی و مالی رژیم قرار گرفت. به گفته آیت‌الله محمدعلی گرامی:

از زمان مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی، ایادی شاه به قم آمده با آقایان ملاقات‌های خصوصی داشتند تا روحيات آنها را کشف کنند و ببینند با کدام یک می‌توانند سازگار باشند و از همان زمان دریافته بودند که با آقای شریعتمداری بهتر می‌توان کنار آمد.^۲

اسدالله علم نخست‌وزیر شاه و عامل سرکوب قیام ۱۵ خرداد نیز در خاطراتش می‌نویسد: پس از سرکوب ملاها در سال ۴۲، استمزاجی کردم تا ببینم کدام یک از آیت‌الله‌ها حاضر است تا حدودی با ما همکاری کند؛ در پاسخ شریعتمداری پیشنهاد کرد علی‌الحساب معادل هشت‌هزار دلار به او بدهم و در آینده اگر خبری بود خودش با من تماس خواهد

۱. همان، (سند پیوست ش ۶).

۲. خاطرات آیت‌الله محمدعلی گرامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۳۱۵.

گرفت.^۱

دقتر ویژه شاه در یادداشتی چنین نوشته است:

شریعتمداری که تیریزی است و در قم اقامت دارد، شخص ناصالحی نیست؛ او را می‌توان محرمانه برای مبارزه با خمینی تقویت کرد و باید آخوند را به جان آخوند انداخت.^۲

در تاریخ ۱۳۴۲/۷/۲۲ ساواک گزارش نمود:

اخیرا عده‌ای از روحانیون به منزل شریعتمداری رفته و به او گفته‌اند تو سازشکار هستی و پول گرفته‌ای و به پیامبر اسلام خیانت کرده‌ای! در این موقع شریعتمداری سخت ناراحت شده و با دو دست محکم به سر خود کوفته است.^۳

شریعتمداری در اردیبهشت ۱۳۴۳ به اطلاع علمای طرفدارش در تبریز رسانید که من کاری به فعالیت‌های ضدولتی ندارم و بی‌طرف می‌باشم. این رویه وی بارها مورد اعتراض امام خمینی قرار گرفت.^۴ در مورخ ۴۳/۳/۱۶ شریعتمداری به امام خمینی چنین پرخاش نمود:

شما می‌گویید با تمام دول اسلامی دست دوستی می‌دهید، در صورتی که جماعت شیعه نمی‌تواند با سایر مسلمانان که با آنها اختلاف مذهبی دارد دوستی کند. این حرف سیاسی است. حرف‌هایی از قبیل حکومت مردم بر مردم و اتحاد مسلمانان جهان و حمله به اسرائیل، مطالب دینی نیست و سیاسی است. مخالفت با دولت، مخالفت با شاه است و این است که هر اعلامیه‌ای که شما بدهید لطمه می‌خورد و دین هم ضعیف می‌شود و سبب آن شما هستید.^۵

رفتار مشکوک شریعتمداری در نزدیکی به رژیم پهلوی، موجب بروز اختلاف او با مراجع

۱. اسدالله علم، یادداشت‌های محرمانه امیر اسدالله علم، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری..

۳. مبارزات امام خمینی به روایت اسناد، سند ش ۱۴۳.

۴. همان، (سند پیوست ش ۷).

۵. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

دیگر مانند آیات نجفی مرعشی، میلانی و قمی نیز گردید. در تاریخ ۱۳۴۳/۴/۱۱ یکی از مأموران مخفی ساواک که لباس روحانی پوشیده بود، از طرف مقامات ساواک مأموریت یافت تا در قم با امام خمینی و شریعتمداری تماس بگیرد و ضمن تظاهر به مخالفت با دولت و طرفداری از مراجع، نحوه فعالیت روحانیان و مردم را در مبارزه با دولت جویا شود. امام خمینی با هوشیاری کامل با مأمور مذکور صحبت کرده و در مقابل درخواست کمک مالی او جهت فعالیت ضددولتی فرمودند:

باید از یکی از آقایان سببط، آیت‌الله لواسانی یا جعفر خندق‌آبادی یادداشتی آورید که صحت سخنانتان در مورد فعالیت بر ضد دولت را گواهی نمایند تا کمک مؤثری به شما صورت گیرد.

سپس مرحوم امام از مأمور سؤال کرد: اوضاع تهران چطور است؟ وی جواب داد: بد نیست. امام فرمودند:

عجیب است که می‌گویی بد نیست و حال آنکه اخباری که به من می‌رسد خلاف گفته شما را ثابت می‌کند؛ عده کثیری هنوز زندانی هستند و سازمان امنیت در تعقیب مسلمانان بی‌گناه است و با سخت‌ترین شرایط دوستان مرا شکنجه می‌دهند و جلوی اجرای شعائر دینی را گرفته‌اند.

مأمور پرسید: پس جنابعالی چه اقدامی می‌فرمایید؟ امام در جواب فرمود: «من با تمام قوا برای حفظ قرآن مبارزه می‌کنم و روزی می‌رسد که ریشه این دولت را برمی‌دارم؛ شما بیشتر از این تکلیف مرا سؤال نکنید.»

مأمور مذکور به دیدن شریعتمداری نیز می‌رود و به وی می‌گوید:

آقای خمینی طلاب و وعاظ را بدبخت کرده و بدون جهت خون عده‌ای بی‌گناه را به زمین ریخته و نان و منبرها را هم گرفته است؛ برای اینکه به هوی و هوس خود برسد.

شریعتمداری حرف‌های او را تأیید می‌کند و در پاسخ به نحوه مبارزه با دولت می‌گوید: «به نظر من صحیح نیست که بین دولت و روحانیت اختلاف باشد؛ آن هم در این موقعیت حساس

که دشمنان مملکت درصدد اخلال داخلی می‌باشند.» مأمور مخفی در آخر گزارش خود نوشته است: «در صورتی که کمک مالی به طرفداران شریعتمداری نشود اکثر طلبه‌های طرفدار او غیر مستقیم متوجه خمینی خواهند شد»^۱!

در جلسه مورخ ۱۳۴۳/۸/۳ روحانیان قم، بین شریعتمداری و امام خمینی مشاجره لفظی صورت گرفت و شریعتمداری جلسه را ترک نمود و گفت دیگر در این جلسه‌ها شرکت نخواهد کرد.

یکی از مورخان تاریخ انقلاب اسلامی در جمع‌بندی خصلت‌های بارز شریعتمداری و اثر آنها در نحوه رفتار دینی و سیاسی وی چنین می‌نویسد:

شریعتمداری با داشتن دو خصلت محافظه‌کاری افراطی و قدرت‌طلبی، هیچ‌گاه در حوزه علمیه قم مقبولیت نیافت. محافظه‌کاری، گاه وی را به مواضع دوگانه‌ای می‌کشاند؛ از یک طرف به کارگزاران رژیم قول همراهی می‌داد و از طرف دیگر از ترس مردم مجبور به موضع‌گیری ضد رژیم می‌شد. خصلت دیگر شریعتمداری جاه‌طلبی وی بود. در طول تاریخ مرجعیت شیعه، هیچ‌گاه این میدان جولانگاه قدرت‌طلبان نبوده است و به همین جهت وی نتوانست این مسئولیت را به مقصد برساند. او همواره از مقبولیت مردمی امام خمینی در رنج بود و نسبت به ایشان حسادت می‌ورزیدند. در ملاقاتی که آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی یکی از فقهای عارف در سال ۱۳۴۲ با امام خمینی و شریعتمداری نمود، درباره امام، گفت: «سید از همه جهت کامل است.» اما پس از ملاقات با شریعتمداری بسیار برافروخته و غمگین شد. وقتی علت را از او جویا شدند، گفت: «شریعتمداری می‌گوید من و خمینی با هم شروع کردیم، اما او الان جلو افتاده است.» آیت‌الله شیخ فضل‌الله محلاتی در ملاقاتی که با شریعتمداری داشت همین جملات را شنید: «ما دو نفر بودیم که مبارزه می‌کردیم در قضیه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و نیز

بعد از آن؛ ولی در بهره‌برداری متأسفانه همه بهره‌ها مال ایشان است.^۱ در برگه معرفی شریعتمداری که در سال ۱۳۵۶ توسط ساواک تنظیم شده، آمده است: «باطنا (با ساواک) همکاری دارد ولی در ظاهر امساک می‌نماید. وی تیزهوش و زرنگ است و به مقتضیات زمان، رنگ عوض می‌کند.»^۲ همچنین در سال ۱۳۵۷ ارزیابی ساواک راجع به خصوصیات شریعتمداری چنین بود:

شریعتمداری مردی میانه‌رو و کاملاً حسابگر است و همواره با توجه به شرایط، حد اعتدالی در گفتار و اعمال او مشاهده می‌شود. وی به علاوه مردی جاه‌طلب است که از دست یافتن به شهرت بیشتر، رضایت خاطر به دست می‌آورد و این خصوصیت او همراه با مقدار زیادی عوام‌فریبی نیز هست. مروری در وضعیت شریعتمداری در بیست سال گذشته، وجود ویژگی عوام‌فریبی را در او شدیداً نشان می‌دهد. او در عین زیرکی و عوام‌فریبی، مردی ترسو و به خصوص مرعوب عوامل خمینی است و شاید قسمت اعظم اقدامات اخیر او ناشی از همین رعبی بوده که از عوامل و هواداران خمینی دارد... شریعتمداری مذهب را با سیاست آمیخته و از مذهب به عنوان یک حربه و وسیله برای هدف‌های سیاسی خود استفاده می‌کند.^۳

همکاری شریعتمداری با رژیم پهلوی ادامه یافت و وی بارها با مقام‌های بلندپایه ساواک، شهربانی، اوقاف، وزرای هیئت دولت و حتی شخص شاه ملاقات و گفت‌وگو می‌کرد. اسناد به جا مانده به خوبی گویای این نزدیکی و ارتباط‌های ویژه است. در واقع شریعتمداری و رژیم پهلوی خدمات متقابلی به هم ارائه می‌دادند. با توجه به این امر است که اکثر تقاضاهای وی از سوی سردمداران رژیم مورد قبول و عمل قرار می‌گرفت.

۱. روح‌الله حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۶۸۹-۶۸۲.

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

۳. همان.

رابط اصلی شریعتمداری با مقام‌های ساواک، پیشکار وی به نام شیخ غلامرضا زنجانی بود. زنجانی چنان در عمل به وظیفه جدی بود که در تاریخ ۱۳۴۲/۹/۲۰ به ساواک اطلاع داد تعدادی از طرفداران آیت‌الله خمینی جهت مذاکره به منزل شریعتمداری آمده‌اند؛ عده‌ای را بفرستید تا مذاکرات آنها را بشنوند.

شریعتمداری در همکاری با رژیم پهلوی چنان پیش رفت که در سال ۱۳۴۴ متعاقب پخش خبر سوء قصد به شاه،^۱ در نامه‌ای خطاب به محمدرضا پهلوی، از اینکه صدمه و آفتی به وجود مبارک نرسیده خدا را شکر کرد و از خداوند متعال خواست که پادشاه اسلام را از جمیع عوارض و گزندها در حفظ و حمایت خود نگهداری فرماید.^۲

در بولتن ویژه ساواک راجع به شریعتمداری چنین آمده است:

شریعتمداری در باطن با خمینی موافق نیست. دلیل این مخالفت هم بیشتر جنبه شخصی و رقابت‌های صنفی و مرجعیت و امثال آن را دارد تا اعتقاد به اصول ملی و مذهبی.^۳

◆ تأسیس دارالتبلیغ اسلامی

طرح ایجاد دارالتبلیغ اسلامی توسط شریعتمداری در سال ۱۳۴۳ آغاز گردید. به گفته دست‌اندرکاران دارالتبلیغ، هدف از این اقدام، تربیت مبلغین اسلامی با توجه به ضروریات

۱. در ۲۱ فروردین ۱۳۴۴ در کاخ مرمر به سوی شاه تیراندازی شد. ضارب، سربازی به نام رضا شمس‌آبادی بود که در گارد شاهنشاهی خدمت می‌کرد؛ گلوله‌ها به شاه اصابت نکرد و شمس‌آبادی بعد از کشتن دو تن از درجه‌داران گارد کشته شد و شاه جان سالم به در برد. جهت کسب اطلاعات بیشتر راجع به ترور شاه در کاخ مرمر رک: *ترور شاه، حادثه کاخ مرمر به روایت اسناد*، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸.

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری، (سند پیوست ش ۹).

۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

عصر بود. در اعلامیه شریعتمداری راجع به اهداف و نیازهای احساس شده جهت تأسیس دارالتبلیغ چنین آمده است:

امروز ما بیش از همه چیز به مبلغین لایق و ورزیده و مطلع و آشنا به زبان روز احتیاج مبرم داریم تا در برابر سیل بنیان‌کن تزلزل عقیده و فساد اخلاق و تبلیغات مسموم دشمنان اسلام قیام کنند؛ حقایق عالی اسلام را در داخل و خارج مملکت نشر و اشاعه دهند، پایه‌های ایمان و خدانشناسی را در دل‌ها تقویت نمایند و... در حوزه‌های علمیه ما، با آن همه خدماتی که این حوزه‌ها به عالم اسلام کرده و می‌کنند، تشکیلاتی برای تربیت چنین مبلغینی تاکنون وجود نداشته است... لازم بود هر چه زودتر این نقیصه برطرف گردد و مدرسه‌ای برای تربیت مبلغین شایسته در حوزه علمیه قم تأسیس شود...^۱

حاج رضا اخوی، قطعه زمینی را به وسعت بیش از ۵۴۰۰ متر در قم جهت تأسیس دارالتبلیغ در اختیار شریعتمداری قرار داد. چون احداث ساختمان در زمین مذکور مدتی به طول می‌کشید وی مهمانخانه ارم قم را به مبلغ نهصد هزار تومان خرید و دارالتبلیغ در مکان مذکور شروع به فعالیت نمود. در مراسم افتتاحیه دارالتبلیغ (۱۵ مهر ۱۳۴۴ / ۱۱ جمادئ‌الثانی ۱۳۵۸) شریعتمداری در مورد ضرورت وجود چنین مرکزی سخنرانی کرد.

گردانندگان دارالتبلیغ اظهار می‌کردند این مؤسسه با الهام علمی و عملی از پیامبر اسلام (ص) و برنامه امام صادق (ع)، جهت پیشبرد تبلیغات اسلامی در ایران و کشورهای خارجی تأسیس گردیده است. این مرکز در مدت کوتاهی توانست با بیش از هشتاد کشور اسلامی و غیراسلامی رابطه مطبوعاتی و علمی برقرار کند.^۲ و شعبه‌های خود را در تهران و بعضی شهرستان‌ها تأسیس نماید.

دوره اول دارالتبلیغ با ۱۲۵ نفر و دوره دوم با ۱۴۵ نفر شروع به کار کرد. برنامه درسی آن

۱. همان.

۲. خاطرات آیت‌الله محمد یزدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۳.

نهج البلاغه، عقاید، تراجم علمای اسلام، فن نویسندگی، ادبیات فارسی، فن خطابه، تاریخ اسلام، زبان عربی، زبان انگلیسی، درایه و حدیث‌شناسی، تفسیر قرآن، فقه و هیئت بود.

ایجاد چنین مرکز فرهنگی با گستره مورد نظر و به ویژه با توجه به امور بین‌المللی، بدون موافقت دستگاه امنیتی رژیم پهلوی میسر نبود و لذا رهبری دارالتبلیغ همواره رابطه خود را با رژیم حفظ می‌کرد و این چیزی بود که برای طلاب انقلابی و برخی از افراد مستقل غیرانقلابی قابل تحمل نبود.^۱

آیت‌الله یزدی در خاطرات خود راجع به دارالتبلیغ می‌گوید:

تأسیس دارالتبلیغ توسط آقای شریعتمداری و بعضی از دوستان ایشان زمانی صورت گرفت که انقلاب اسلامی در حوزه علمیه قم جا باز می‌کرد. شایع شده بود که این مؤسسه نوعی جبهه‌گیری در برابر حضرت امام است؛ به خصوص پاره‌ای بذل و بخشش‌ها که به افراد می‌شد یا حمایت‌هایی که به عمل می‌آمد مشکوک بود.^۲

امام خمینی موافق تأسیس و فعالیت دارالتبلیغ و انحراف افکار و اذهان از لزوم مقابله با حرکت‌های ضداسلامی رژیم پهلوی به سمت فعالیت‌های عافیت‌طلبانه نبودند. ایشان آیت‌الله خزعلی را برای مذاکره و متوجه نمودن شریعتمداری به پیش وی فرستادند. اما آیت‌الله خزعلی در گفت‌وگوهای ۹ جلسه‌ای، نتوانست نظر شریعتمداری را در این خصوص تغییر دهد و شریعتمداری در نهایت گفت: «تأسیس و اداره دارالتبلیغ موضوعی شخصی است و باید زیر نظر من اداره شود».^۳

حضرت امام مخالفت مستقیم و آشکار با دارالتبلیغ را به مصلحت نمی‌دانستند و در جواب نامه‌ای که نظر ایشان را در خصوص مرکز مذکور پرسیده بودند، چنین نوشتند: «راجع به

۱. رک: رسول جعفریان، *جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی - سیاسی ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۰-۵۶.

۲. *خاطرات آیت‌الله یزدی*، ص ۱۸۲.

۳. *خاطرات آیت‌الله خزعلی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۱۷-۱۱۹.

دارالتبلیغ حقیر دخالتی ندارم.» البته طولی نکشید که خبر مخالفت امام با دارالتبلیغ پخش گردید؛ به طوری که این مسئله در اسناد ساواک نیز انعکاس یافته است. از جمله یکبار که شریعتمداری جهت پرداخت وجه مهمانخانه ارم نیاز به کمک و مساعدت سایر مراجع داشت، پیشکار خود غلامرضا زنجانی را نزد امام خمینی فرستاد تا ایشان نیز جهت پرداخت پول مکان مذکور، کمک نمایند. مرحوم امام از این امر ناراحت شده، به زنجانی چنین گفتند:

شریعتمداری حق ندارد دارالتبلیغ درست کند و اگر هم از مردم در مورد خرید چنین ساختمانی به نام مدرسه دارالتبلیغ کمک خواسته باشد مردم نباید چیزی بدهند؛ ما به چیزهای دیگر احتیاج داریم؛ ما وسایل بهتر از این احتیاج داریم.^۱

شریعتمداری برای گردآوری کمک‌های مالی مردم برای ساخت و تجهیز دارالتبلیغ، جمعی از روحانیان طرفدار خود را به شهرستان‌ها فرستاد. اما با توجه به انتشار خبر مخالفت امام خمینی با دارالتبلیغ و سایر مسائل پیرامون مرکز مذکور، فرستادگان شریعتمداری در مأموریت خود موفقیتی به دست نیاوردند.

به گزارش ساواک، طلاب و روحانیان تهران، آشکارا بر این عقیده بودند که دولت از شریعتمداری حمایت می‌کند و متقابلاً وی نیز از طرفداران دولت شده است. در این زمینه، ایجاد مدرسه دارالتبلیغ در تهران توسط شریعتمداری را دلیلی بر گفته خود می‌دانستند و می‌گفتند با وجود این همه مدارس بزرگ علوم دینی در تهران و شهرستان‌ها، دلیلی نداشت که مدرسه وسیع دیگری برای طلاب تهران بنا کنند. همچنین به نظر آنها دولت در نظر داشت با تأسیس مدرسه دارالتبلیغ به دست شریعتمداری، تحصیل طلاب را تحت نظر بگیرد و آن را ضمیمه آموزش و پرورش نماید.^۲

از سال ۱۳۴۵ فعالیت‌های تبلیغاتی و انتشاراتی دارالتبلیغ با خرید ماشین‌آلات چاپ به مبلغ چهارصد هزار تومان (جهت چاپ رساله و کتاب‌های مذهبی) توسط شریعتمداری گسترش

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری، (سند پیوست ش ۱۰).

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

یافت. همچنین در سال ۱۳۴۷ شریعتمداری درصدد خرید فرستنده رادیویی برای دارالتبلیغ برآمد.^۱ از نتیجه این امر اطلاعی در دست نیست.

◆ کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی

رژیم پهلوی در مهر ۱۳۴۳ مستشاران امریکایی و خانواده‌های آنان را از حق کاپیتولاسیون^۲

برخوردار ساخت. این امر که قدرت قوه قضاییه و حاکمیت ملی ایران را در مقابل اتباع کشور امریکا از بین می‌برد، موجی از خشم و نارضایتی را برانگیخت. امام خمینی در اعتراض به آن در چهارم آبان ۱۳۴۳ نطق تاریخی و معروف خود علیه کاپیتولاسیون را ایراد نمود.^۳ شریعتمداری و آیت‌الله مرعشی نجفی نیز در اعتراض به اقدام رژیم پهلوی سخنانی ایراد کردند.

یکی از شاهدان سخنرانی شریعتمداری می‌نویسد:

شریعتمداری در خانه خود علیه

امام خمینی موافق تأسیس و فعالیت دارالتبلیغ و انحراف افکار و اذهان از لزوم مقابله با حرکت‌های ضداسلامی رژیم پهلوی به سمت فعالیت‌های عافیت‌طلبانه نبودند. ایشان آیت‌الله خزعلی را برای مذاکره و متوجه نمودن شریعتمداری به پیش وی فرستادند. اما آیت‌الله خزعلی در گفت‌وگوهای ۹ جلسه‌ای، نتوانست نظر شریعتمداری را در این خصوص تغییر دهد

۱. همان.

۲. حق قضاوت کنسولی؛ طبق این قانون، اتباع کشور صاحب حق کاپیتولاسیون در کشور مقصد، تحت حاکمیت محاکم دولت متبوع خود باقی می‌مانند و محاکم کشور مقصد حق محاکمه آنها را ندارند.

۳. برای مطالعه متن نطق امام(س) رک: مبارزات امام خمینی به روایت اسناد، ص ۲۷۹-۲۷۳؛ نهضت امام خمینی(س)، سید حمید روحانی، ج ۱، ص ۷۲۶-۷۱۶. نوار این نطق خوشبختانه موجود است.

کاپیتولاسیون سخن گفت و با بلندگویی که گذاشته شده بود جمعی از مردم در کوچه اجتماع کرده و به سخنان وی گوش می‌دادند. البته تعداد جمعیت حاضر کمتر از جمعیتی بود که در خانه امام و اطراف آن جمع شده بودند و صحبت ایشان هم نرم‌تر از سخنان امام بود و به عنوان نصیحت می‌گفتند استقلال کشور را باید حفظ کرد و این لایحه خلاف استقلال کشور است.^۱

خلاصه سخنان شریعتمداری علیه کاپیتولاسیون در یک برگ، تکثیر گردید که در بخشی از آن آمده بود:

این قانون کاپیتولاسیون بر خلاف قانون اساسی است که رسیدگی به تمام دعاوی را درخور محاکم مملکت می‌داند. مجلس ایران در تصویب آن، عمل بسیار خلافی انجام داده است. مزایایی که دولت‌ها به هم می‌دهند باید متقابل باشد، آیا امریکا به ایرانیان مقیم چنین مصونیتی می‌دهد؟ چرا این قانون را به اطلاع مردم ایران نرساندند و در معرض قضاات عمومی نگذارند؟ مصلحت ایجاب می‌کند مجلس ایران هر چه زودتر این قانون خطرناک را فسخ کند و اگر فسخ نکند کوچکترین ارزش قانونی نخواهد داشت.^۲

رژیم پهلوی در واکنش به نطق امام خمینی علیه کاپیتولاسیون، در ۱۳ آبان ایشان را دستگیر و به ترکیه تبعید کرد.^۳ شریعتمداری نیز در واکنش به این اقدام رژیم پهلوی در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیان، انجام اقدامات حاد در اعتراض به تبعید امام را بی‌فایده دانست و جهت بازگرداندن ایشان، مذاکره با دولت را به صلاح دید. با وجود این، وی در پاسخ به تلگراف‌های علما، تأسف خود را از تبعید امام خمینی ابراز داشت و ده روز بعد از تبعید امام، در تلگرافی خطاب به ایشان چنین نوشت:

۱. خاطرات آیت‌الله منتظری، ج ۱، ص ۲۵۰.

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

۳. جهت مطالعه چگونگی دستگیری و تبعید امام خمینی(س) رک: مبارزات امام خمینی به روایت اسناد، اسناد ش ۱۸۵ تا ۱۹۵.

حادثه ناگوار فاجعه تبعید جنابعالی موجب تأسف و تأثر شدید است و از خداوند متعال خواستارم که عن قریب وسایل مراجعت جنابعالی را به حوزه علمیه فراهم فرماید و نگرانی رفع گردد. حقیر تا حدود قدرت و امکان مشغول اقدام بوده و کوتاهی نخواهم کرد.^۱

در اسفندماه ۱۳۴۳ گفته می‌شد مراجع و از جمله شریعتمداری قصد دارند به خاطر تبعید امام خمینی در عید نوروز اعلام عزا نمایند؛ اما شریعتمداری در جواب سؤال مأمور ساواک راجع به این موضوع، اعلام عزا را شایعه‌ای بیش ندانست و حتی احتمال انتشار اعلامیه‌ای در مورد لزوم بازگرداندن حضرت امام از تبعید را نیز رد کرد.^۲ در واقع حوزه علمیه بدون وجود امام خمینی بیشتر با مزاج شریعتمداری سازگار بود و اسباب پیشرفت وی بیشتر مهیا بود! شاهد این امر بدگویی‌هایی است که در تاریخ ۱۳۴۳/۱۲/۲۷ وی در ملاقات با مأموران عالی‌رتبه ساواک نسبت به حضرت امام بر زبان می‌آورد و می‌گوید:

ما در ابتدا از ایشان [آقای خمینی] حمایت می‌نمودیم و سپس شروع به انتقاد و گوشزدهای لازم به او کردیم؛ ولی خمینی کسی نبود که به این گوشزدها توجهی بنماید، اقدام به دادن اعلامیه‌ها نمود... و کاری نمود که موقعیت مرجع تقلید شیعیان جهان را متزلزل کرد. ما چون این خرابکاری‌ها را از او دیدیم خودمان را کنار کشیده و به تماشا مشغول شدیم. متأسفانه پس از جریانات اخیر، رئیس مملکت [شاه] و دولت، دیگر اعتنائی به خواسته‌های ما ندارند. مقصر این اوضاع خمینی و هواداران او هستند که موقعیت روحانیت را به خطر انداخته‌اند. ما هرگز نمی‌خواهیم به جنگ برادران دینی سرباز خود که به مدرن‌ترین سلاح‌ها مجهز هستند برویم.^۳

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری؛ جهت مطالعه متن تلگراف‌های آیات مرعشی

نجفی، گلپایگانی و میلانی به امام خمینی (س) رک: مبارزات امام خمینی به روایت اسناد، سند ش ۱۹۷.

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

۳. همان، (سند پیوست ش ۱۱).

بعد از آنکه چند تن از اعضای هیئت‌های مؤتلفه اسلامی،^۱ حسنعلی منصور، نخست‌وزیر وقت^۲ و از عاملان اصلی تبعید امام خمینی را اعدام انقلابی کردند و تعدادی از آنها دستگیر و محکوم به اعدام شدند، جمعی از علما و طلاب با نامه و مراجعه حضوری از شریعتمداری خواستند تا جهت ممانعت از اعدام اعضای هیئت‌های مؤتلفه اقداماتی نماید؛ وی هر نوع اقدامی را صلاح ندانست و گفت فقط باید به صورت خواهش و تقاضا از مقامات عالی‌رتبه کشور اقدام کرد.^۳

در تاریخ ۱۳۴۴/۱۲/۲۲ جمعی از طلاب شبانه به منزل شریعتمداری مراجعه و تقاضا کردند درس طلاب به عنوان اعتراض به تبعید امام خمینی و تقاضای آزادی ایشان تعطیل شود. شریعتمداری جواب داد این کار بی‌فایده است. طلاب گفتند اگر نتیجه نداد عملی می‌کنیم که منجر به خونریزی شود. شریعتمداری گفت:

یک دفعه کردید چه شد؟ و سپس با عصبانیت ادامه داد: شما را چه کسانی اینجا فرستاده‌اند؟ مگر من مقلد شما هستم؟ مردم به من اطمینان دارند و شما می‌گویید من آنها را به کشتن بدهم؟ ... می‌خواهید دیگران را اصلاح کنید! وضع حوزه موجب شرمساری است و با این وضع می‌خواهید با امریکا و اسرائیل طرفیت کنید!^۴

طلاب به منزل برخی از آقایان نیز مراجعه و تقاضا کردند درس‌ها را به عنوان اعتراض به ادامه تبعید آیت‌الله خمینی تعطیل کنند؛ اما آنان به توصیه شریعتمداری با خواسته طلاب

۱. در مورد هیئت‌های مؤتلفه اسلامی رک: حکیم امیری، *تاریخ شاهنشاهی هیئت‌های مؤتلفه اسلامی*، تهران، مرکز

اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶؛ مهدی عراقی، *ناگفته‌ها (خاطرات شهید عراقی)*، تهران، رسا.

۲. راجع به حسنعلی منصور رک: منیژه صدری، *حسنعلی منصور به روایت اسناد*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

۴. همان، (سند پیوست ش ۱۲)؛ شرح این جریان و صحبت‌های رد و بدل‌شده بین نمایندگان طلاب طرفدار امام خمینی(س) با شریعتمداری در کتاب *نهضت امام خمینی*، ج ۱، ص ۸۹۶-۸۹۲ ذکر شده است.

موافقت نمودند.

در مرداد ۱۳۴۵ شریعتمداری در ملاقات با مأمور عالی‌رتبه ساواک در مورد امام خمینی چنین گفت:

آقای خمینی مرتکب اشتباهاتی شد که چنانچه ما هم می‌خواستیم طریقی که ایشان پیمودند بپیماییم گذشته از اینکه تمام حوزه‌های علمیه قم از هم پاشیده می‌شد نتیجه‌ای هم در بر نداشت. من در منبر درس به اطلاع طلبه‌ها رسانیده‌ام که سکوت من، حوزه علمیه را نگه داشت و به تمام محصلین قم هم تذکر داده‌ام که از انتشار اعلامیه و اخبار عاری از حقیقت بپرهیزند و حوزه علمیه قم را متشنج نسازند، زیرا این حوزه وظیفه‌اش نشر احکام و ترویج دین مبین اسلام است و محصلین حوزه علمیه قم مجاز نیستند به هیچ‌وجه در امور سیاسی دخالت نمایند بلکه باید تابع علما و بزرگان خود باشند.^۱

نظر شریعتمداری در مورد اینکه طلاب مجاز نیستند به هیچ‌وجه در امور سیاسی دخالت نمایند، کاملاً در تضاد با نظریات دیگر او قرار دارد. وی در روز دوشنبه ۱۳۴۸/۷/۱۴ در درس خارج به طلاب دینی چنین گفت:

دین از سیاست جدا نیست و در ممالک اسلامی، حکومت حق پیشوایان دین است؛ منتها روی چه محذوری نتوانستند تاکنون به این موضوع جامه عمل بپوشانند بحثی است جداگانه... قسمت اعظم فقه اسلامی را احکامی مانند دیات، قصاص، بیع، تجارت، ازدواج، طلاق و... تشکیل می‌دهند. حالا پیغمبر اسلام توانست در زمان خود رسالت را با حکومت و سلطنت وفق دهد ولی بعد از ایشان جانشینان وی روی حساب‌های دیگری نتوانستند بر مسند حکومت تکیه زنند به طوری که امروزه ما هم نمی‌توانیم چنین کاری انجام دهیم ولی این دلیل این نیست که این حق بر ما مسلم نیست.^۲

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

۲. همان، (سند پیوست ش ۱۳).

در برگ بیوگرافی که ساواک در سال ۴۳ یا ۴۴ از شریعتمداری تهیه کرده چنین آمده است: طرفداران وی در میان طبقات مختلف بسیار است؛ بیان مختصری دارد؛ مرجع تقلید است؛ روحیه معتدلی دارد و بستگی سیاسی با جایی ندارد؛ نسبت به قوانین احترام می‌گذارد و مطیع است؛ شخص عاقل و مسنی است؛ ولی مشهور به نفاق و دورویی است.^۱

◆ منابع مالی شریعتمداری

از آنجا که مراجع بزرگوار تقلید مورد اعتماد مردم مسلمان هستند، آنها وجوهات شرعی خود را از قبیل خمس، زکات و سهم امام با رغبت تمام در اختیار آنان قرار می‌دهند تا در امور مذهبی از جمله گذران زندگی طلاب، سادات، فقرا و امور عام‌المنفعه، مانند ساخت مساجد، حسینیه‌ها، حمام‌های روستایی و... خرج نمایند. در این میان شریعتمداری غیر از موارد ذکرشده، منابع مالی دیگری در اختیار داشت که تکیه بر آنها شهرت و قدرت مرجعیت او را بالا می‌برد. این منابع مالی عبارت‌اند از:

۱. ارسال وجوهات شرعی توسط مقلدین داخلی و خارجی

به گزارش اسناد ساواک، شخصی به نام شیخ اسدالله ریاضی در سال ۱۳۵۱، درآمد ماهیانه شریعتمداری را از وجوهات شرعی، سه میلیون تومان قید کرده بود.^۲

۲. ثلث اموال متمولان

طبق وصیت آقای نیکپور، مالک سهام بانک پارس، در تیر ۱۳۴۹ مبلغ سی میلیون تومان به عنوان ثلث اموال متوفی در اختیار شریعتمداری قرار گرفت^۳ تا ایشان آن را صرف امور خیریه کند؛ همچنین افراد متمولی چون ابراهیم دریانی، پول‌های زیادی به شریعتمداری می‌پرداختند؛

۱. همان، (سند پیوست ش ۱۴).

۲. همان، (سند پیوست ش ۱۵، ص ۲).

۳. همان، (سند پیوست ش ۱۶).

در نتیجه وضعیت مالی وی روز به روز بهتر می‌شد.

۳. موقوفات

شریعتمداری به عنوان مرجع تقلید، متولی موقوفات بزرگ و مرغوبی بوده است. به گزارش ساواک در تاریخ ۱۳۴۲/۸/۱۵ وی در میدان فوزیه [امام حسین کنونی]، جنب سینما مراد، زمینی به ارزش ده‌میلیون تومان داشت؛ وی این زمین را به عنوان خمس از یکی از ثروتمندان معروف تهران به نام مرحوم اخوان دریافت کرده بود.^۱ اداره اوقاف رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۱ اذعان می‌دارد که دو قطعه زمین وقفی مرغوب در شمیران و یک قطعه زمین در خیابان شهناز در تولیت شریعتمداری قرار داشت. زمین دوم چنان وسیع بود که در آن امکان احداث درمانگاه، دبیرستان و دبستان وجود داشت.^۲ در سال ۱۳۵۰ تولیت موقوفات مرحوم حاج میرزا حسین حاج محمدعلی در اختیار شریعتمداری قرار گرفت؛ این موقوفات، شامل باغی مشتمل بر بیرونی و اندرونی و استخر، به انضمام سیزده قطعه زمین زراعی در شمیرانات و مجاری آبیاری بود. وی در تاریخ ۱۳۵۱/۱۰/۱۲ رسیدگی به امور آن موقوفات و حق فروش آنها را در اختیار دامادش، احمد عباسی قرار داد.^۳

۴. پول‌های دولتی

یکی از منابع مهم مالی شریعتمداری، اخذ پول‌های دولتی بود. اسدالله علم، نخست‌وزیر رژیم پهلوی در سال ۱۳۴۲ ضمن بیان خاطرات خود می‌نویسد: «برای جلب همکاری شریعتمداری با دولت، هشت‌هزار دلار به او پرداختیم.»^۴ به نظر می‌رسد که این امر، شروع ارتباطات مالی بین دولت و شریعتمداری بود!

ارتشبد فردوست، قائم‌مقام ساواک و رئیس دفتر ویژه شاه - که از محرمانه‌ترین مسائل

۱. همان، (سند پیوست ش ۱۷).

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

۳. همان.

۴. یادداشت‌های محرمانه علم، تهران، طرح نو، ج ۱، ص ۲۴۵.

دولت و کشور آگاه بود - بعد از ذکر ملاقات‌های پنهانی شریعتمداری و شاه در کاخ سعدآباد می‌نویسد:

بین دربار، نخست‌وزیری و ساواک، تماس‌هایی با برخی از افراد در حوزه‌های علمیه جریان داشت و مجموعه این ارتباطات، سالیانه میلیون‌ها تومان هزینه دربرداشت که توسط هویدا در تمام طول نخست‌وزیری‌اش از بودجه سری نخست‌وزیری پرداخت می‌شد.^۱

فردوست در بخش دیگری از خاطراتش به تشکیل ستادی در دربار در سال ۱۳۵۶ اشاره می‌کند. این ستاد متشکل بود از هویدا، وزیر دربار - که بعد از نخست‌وزیری، وزیر دربار شده بود - جمشید آموزگار، نخست‌وزیر دربار و خود وی. هدف آنان از تشکیل این ستاد تماس با برخی روحانیان بود:

بهبهانیان، معاون دربار که امور مالی دربار در اختیارش بود و هر کجا که می‌رفت مایه برکت بود، به کرات با چمدان دستی پر از پول، برای دیدار شریعتمداری به قم رفت.^۲

احمدعلی مسعود انصاری، از نزدیکان فرح دیبا، نیز در سال ۱۳۵۷ از سوی شاه مأموریت یافت، به طور مرتب به قم رفته، با شریعتمداری ملاقات و گفت‌وگو کند؛ وی ضمن شرح مذاکراتش با شریعتمداری از همراهی جعفر بهبهانیان (معاون دربار و مسئول امور مالی شخصی شاه) با او در این مسافرت‌ها خبر داده است.^۳ فریده دیبا، مادر فرح دیبا نیز از کمک‌های مالی شاه به شریعتمداری، سخن گفته است.^۴

گزارش‌های دریافت پول‌های دولتی توسط شریعتمداری، حداقل از سال ۱۳۴۵ وجود دارد؛ چنانکه به تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ در گزارشی سری از مجموعه اسناد لانه جاسوسی چنین

۱. حسین فردوست، تهران، همان، ص ۵۱۸.

۲. همان، ص ۵۷۷.

۳. احمدعلی مسعود انصاری، پس از سقوط، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۱، ص ۲۴.

۴. فریده دیبا، دخترم فرح، تهران، به‌آیین، ۱۳۸۲، ص ۳۷۴.

آمده است:

گزارش‌های متعدد اطلاعاتی از تاریخ ۱۳۴۵ وجود دارند که نشان می‌دهند شریعتمداری با شاه مناسبات نسبتاً خوبی داشته و همچنین در لیست حقوق‌بگیران ساواک بوده است. به عنوان نمونه ادعای اخیر، در گزارش مورخ آبان ۱۳۵۰ از او به عنوان رئیس مرکز مذهبی قم نامبرده شده که از نخست‌وزیری و ساواک وجوهاتی دریافت می‌کند. در سال ۱۳۵۰ شریعتمداری به عنوان یکی از برجسته‌ترین رهبران مذهبی که با ساواک برای تشکیل یک سپاه دین مذهبی همکاری می‌کند، گزارش شد. در یک گزارش در سال ۱۳۵۷ گفته شده که او چهره مذهبی برجسته‌ای است که توسط ساواک تأمین می‌شود.^۱

۵. پول‌های امریکایی

گرفتن پول‌های کلان توسط شریعتمداری از امریکایی‌ها در فتنه خلق مسلمان گزارش گردیده است.^۲ البته با لغو تحریم!

اما در مورد مخارج متعدد شریعتمداری طبق اسناد به جا مانده از رژیم پهلوی، موارد مصرف پول توسط شریعتمداری عبارت بودند از:

۱. کمک‌های نقدی و جنسی به آسیب‌دیدگان (زلزله‌زدگان، جنگ‌زدگان لبنان و اعراب آسیب‌دیده از تهاجم‌های اسرائیل)؛

۲. امور مربوط به ساخت و فعالیت دارالتبلیغ اسلامی قم با شعبه‌های داخلی و خارجی آن؛

۳. ساخت و مرمت برخی مدارس علوم دینی در قم و تبریز (مثل مدرسه طالبیه تبریز)؛

۴. پرداخت شهریه به طلاب علوم دینی در حوزه‌های علمیه قم، تبریز و زنجان؛

۱. اسناد لانه جاسوسی امریکا، ج ۵۵، تهران، مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی امریکا، ۱۳۶۵، ص ۳۷.

۲. یکی دیگر از منابع مالی شریعتمداری در ماه‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی، اخذ وجوهات قابل توجه از سفارت‌خانه امریکا در تهران بود؛ وی این وجوهات را صرف تجهیز و تسلیح حزب خلق مسلمان می‌کرد. جهت مطالعه اسناد این موضوع به این دو کتاب از نویسنده مراجعه فرمایید؛ طوفان در آذربایجان، تبریز، احرار، ۱۳۸۱؛ حزب خلق مسلمان، تهران، کیهان، ج ۱، ۱۳۸۷.

۵. کمک‌های مالی پیاپی به روحانیان طرفدار ایشان؛

۶. پرداخت پول برای چاپ رساله به زبان‌های مختلف از جمله ترکی استانبولی و پخش آن

در ترکیه و برخی کشورهای اروپایی، که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم؛

۷. ساخت یا مرمت برخی مساجد.^۱

در این میان آنچه باعث شگفتی است چاپ اسنادی است که به صرف مخارج و پرداخت وجوهی می‌پردازد که کمترین همخوانی با تقوای مورد انتظار از یک مرجع تقلید را ندارند! گاه نیز نزدیک‌ترین افراد به وی، مسائل و تخلفاتی را ذکر کرده‌اند که تأسف خواننده را در پی می‌آورد. به برخی از این اسناد اشاره‌ای گذرا می‌کنیم؛ سید صادق شریعتمداری، برادر شریعتمداری در تاریخ ۱۳۴۷/۷/۲۶ در جلسه روحانیان قم اظهار داشت:

آقایان! برادر من شخصی است بی‌دین و عضو سازمان امنیت می‌باشد... هر یک از روحانیون که از سازمان امنیت پول دریافت میدارند به توصیه برادر من می‌باشد و خود او نیز پول‌های کلانی را مثل قماربازها به دور می‌ریزد؛ کما اینکه برای دامادش که فرزند شیخ موسی زنجانی است [احمد عباسی]، در تهران خانه‌ای به مبلغ ۱۷۰ هزار تومان خریداری و یک دستگاه ماشین سواری شیک نیز در اختیار او گذاشته و همچنین وی مسجد موزه قم را که در اختیار سید رضا صدر بود با مسجد نوساز میدان فوزیه تهران که خودش ساخته بود، عوض نمود و برای جلب رضایت صدر، مبلغ یکصد هزار تومان به نامبرده پرداخت نمود و چون من با اقدام برادر من مخالفت کردم، مشارالیه ناچار مبلغ یکصد هزار تومان نیز به من سفته داد که مقداری از آن را پرداخته.^۲

طبق گزارش ساواک در تاریخ ۱۳۴۷/۱۰/۱۷ در بازار شایع شده بود که آقای شریعتمداری در روز اول دی ماه سال جاری چکی به مبلغ چهل میلیون ریال از بانک صادرات قم به اسم برادرش، سید جواد حائری (مقیم تهران) کشیده است. بانک مزبور از ایشان تقاضا کرده که

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

۲. همان، (سند پیوست ش ۱۸).

این وجه را یکجا دریافت نکند؛ چرا که این کار باعث رکود شعبه بانک در قم می‌شود.^۱ نکته‌ای که باید تذکر دهیم آن است که در گزارش‌های تنظیمی ساواک، بسیاری از رویدادها و حقایق با عنوان «گفته می‌شود» و «شایع شده» قید می‌گردد!

در روز پنجشنبه ۱۳۵۳/۲/۲۶ در منزل شخصی شریعتمداری مجلس عقد خصوصی دختر ایشان با پسر امام جمعه بیجار منعقد شد که برخی مراجع نیز در آن شرکت کردند. مقام ساواک در توضیح خبر فوق می‌نویسد:

مفاد گزارش صحیح است. آیت‌الله شریعتمداری دختری از صیغه دارد که با پسر امام جمعه بیجار ازدواج کرده و منزلی در خیابان ناصر به مبلغ چهارصد و بیست هزار تومان برای آنان خریداری شده که با وسایل مورد نیاز بالغ بر ششصد هزار تومان تخمین زده می‌شود و بطوریکه شایع است بهای منزل فوق از جانب شریعتمداری پرداخت شده و عباسی، داماد اول شریعتمداری نیز از این جهت ناراحت است و به اصطلاح حسادت می‌کند.^۲

در تاریخ ۱۳۵۴/۲/۸ میرزا ابوالفضل مشکینی، پیشکار شریعتمداری در ملاقاتی خصوصی گفت:

آقای شریعتمداری هم نقاط ضعفی دارد که از آن ناراحت هستم. می‌گویم آقای عزیز، اگر مردم قسمتی را دروغ می‌گویند، لیکن قسمتی را هم حق می‌گویند. مثلاً مردم می‌گویند چرا پسرت (سید حسن شریعتمداری) هر روز یک اتومبیل می‌خرد و راست هم می‌گویند. می‌گویند تو دارای چهار نفر عائله از زن و پسر و دختر هستی؛ چرا شش دستگاه ساختمان را از بیت‌المال می‌خری؟ مگر از پدرت ارث رسیده و درست هم می‌گویند. مردم می‌گویند آقا شما حاج آقا مجتبی عراقی را به اتفاق چهار نفر مدتی فرستادی به هندوستان و بودجه گزافی خرج کردند و برگشتند؛ مگر آنجا چه کار کردند، چه سودی

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

۲. همان، (سند پیوست ش ۱۹).

به حال اسلام داشت و راست هم می‌گویند... ملت این وضع را می‌بینند و با وضع مراجع گذشته مقایسه می‌کنند، خوششان به جوش می‌آید... آیت‌الله بروجردی با آن همه قدرت، ساختمان مسکونی خود را وقف مسجد اعظم کرده و از خود به ارث نگذاشته بالاخره حرف زیاد است؛ نمی‌خواهم بیشتر از این بگویم.^۱

ساواک در تاریخ ۱۳۵۴/۱۱/۲۳ به نقل از شخصی به نام شیخ احمد ریاضی، قسمتی از تخلیفات مالی شریعتمداری را چنین گزارش کرده است:

تشکیل دارالتبلیغ اسلامی بدون مجوز قانونی بوده و هیئت‌مدیره آن نیز فرمایشی است. شریعتمداری ماهانه حدود سی میلیون ریال سهم امام از مردم پول می‌گیرد؛ در صورتی که [آنچه] وی برای طلاب می‌دهد، بیش از سه میلیون ریال نیست و اگر بقیه مخارج وی را که در امور مذهبی صرف می‌شود به اضافه مخارج شخصی هفت میلیون ریال به حساب بیاوریم، شریعتمداری ماهانه بیست میلیون ریال بقیه سهم امام را صرف خرید خانه و زمین به نام خود و اطرافیانش در قم، تبریز، آذرشهر و اهواز می‌نماید.^۲

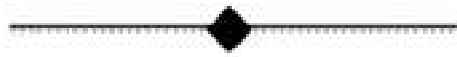
در گزارش دیگری به تاریخ ۱۳۵۵/۲/۱، اموال منقول و غیرمنقول شریعتمداری، توسط شیخ احمد ریاضی چنین ذکر شده است:

۱. ۱۷ باب خانه در خیابان ارم، کوچه‌های شریعت و ارک در شهر قم.
۲. محل دارالتبلیغ در خیابان صفائیه و ۳۴ باب خانه در قم و تهران.
۳. ۶۰۰ متر زمین در محدوده میدان فرح قم.
۴. یک باب دارالتبلیغ در تهران به انضمام پاساژ و ۴۵ مغازه و ۲۵۰ پلاک وابسته به دارالتبلیغ.
۵. وجوه نقدی در بانک‌های مختلف.
۶. ۵۰۰ تخته قالی.

۱. همان، (سند پیوست ش ۲۰).

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

۷. حدود ۳ میلیون ریال عایدات مجله پیام شادی [از انتشارات دارالتبلیغ اسلامی].^۱



از تلاش‌های مستمر و دامنه‌دار رژیم پهلوی، ترجمه، چاپ و پخش رساله توضیح‌المسائل شریعتمداری در میان شیعیان ترکیه و چند کشور اروپایی بود. هدف رژیم از این کار، تقویت وی در مقابل حضرت امام و سوق دادن شیعیان کشورهای دیگر به سوی شریعتمداری بود



ساواک قم چند بار در پوششی مناسب با احمد ریاضی تماس گرفت و توضیحات او را در تاریخ ۱۳۵۴/۱۲/۲۱ برای نصیری، رئیس ساواک گزارش نمود؛ اما وی واکنشی نشان نداد و موضوع به سکوت برگزار شد!^۲

بر اساس گزارش‌های به جا مانده از دستگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی رژیم پهلوی، هرگاه سخنانی علیه شریعتمداری گفته می‌شد یا اعلامیه‌ای علیه وی منتشر می‌گردید، ساواک با تمام توان وارد عمل

شده، مخالفان و منتقدان وی را چنان تحت فشار قرار می‌داد که از گفته و کرده خود پشیمان شوند. در این حال، سؤالی که پیش می‌آید آن است که سکوت نصیری در قبال گزارش احمد ریاضی چه معنایی داشت؟ ضمن آنکه در هیچ منبع و سندی ذکر نشده که شریعتمداری در مناطقی از ایران و به ویژه در آذربایجان و تبریز، زمین، باغ، مغازه و... حتی به ارث داشته است تا توجیهی برای برخی مخارج وی باشد!

◆ انتشار رساله شریعتمداری در خارج از کشور و نقش رژیم پهلوی در آن

از تلاش‌های مستمر و دامنه‌دار رژیم پهلوی، ترجمه، چاپ و پخش رساله توضیح‌المسائل

۱. همان، (سند پیوست ش ۱۵، ص ۱).

۲. همان، (سند پیوست ش ۱۵، ص ۲).

شریعتمداری در میان شیعیان ترکیه و چند کشور اروپایی بود. هدف رژیم از این کار، تقویت وی در مقابل حضرت امام و سوق دادن شیعیان کشورهای دیگر به سوی شریعتمداری بود. توضیح اینکه در تاریخ ۱۳۵۲/۱۰/۲۹ «حسین داوودی»، سرکنسول ایران در ترکیه ضمن نامه محرمانه‌ای به شماره ۳۵۵/م، خطاب به اداره روابط فرهنگی وزارت امور خارجه اطلاع داد که «زمزمه‌هایی برای چاپ رساله (آیت‌الله) خمینی در ترکیه به گوش می‌رسد»؛ برای ممانعت از چنین امری - که کاملاً با اهداف و آرمان‌های رژیم پهلوی در تضاد بود - کنسولگری مذکور پیشنهاد کرد که مساعدت‌های لازم برای ترجمه و پخش رساله شریعتمداری به خط لاتین ترکی صورت گیرد. در سند مذکور چنین می‌خوانیم:

وزارت امور خارجه - اداره روابط فرهنگی

پس از تغییر خط در ترکیه، هیچ یک از رسالات فقهی علمای شیعه به زبان و خط ترکی جدید ترجمه نشده است و شیعیان مقیم ترکیه که فارسی نمی‌دانند از جهت تقلید و انجام امور مذهبی خود در زحمت‌اند. اخیراً آقای پروفسور گل پینارلی، استاد دانشگاه، که خود شیعه‌مذهب است، رساله «توضیح المسائل» آیت‌الله آقای شریعتمداری را... ترجمه کرده است که چاپ و بین شیعیان ترکیه توزیع شود... پروفسور مذکور، امکانات مالی برای چاپ ندارد لذا پیشنهاد نموده که برای چاپ پنج‌هزار جلد از این کتاب مبلغ ۲۵۰۰۰ لیره که مخارج آن می‌شود، تأمین گردد.

چون موضوع از لحاظ شیعیان حایز اهمیت خاص و مورد استدعا و تأیید امام مساجد ایرانیان در استانبول نیز می‌باشد، خواهشمند است با سازمان اوقاف مذاکره فرمایند که به هر نحو شده چاپ این کتاب را یاری نمایند؛ برای ایرانیان مقیم استانبول که از لحاظ مذهبی بسیار پایبند و متعصب هستند، کمک بزرگی است؛ مضافاً بر اینکه زمزمه‌هایی برای چاپ رساله [آیت‌الله] خمینی نیز در بین بوده که البته مورد موافقت مترجمین که از دوستان ما هستند واقع نشده است.^۱

وزارت امور خارجه، موضوع درخواست کنسولگری ایران در ترکیه را طی نامه‌ای به شماره ۳۱۳۱۴/م/۲۹، چنین به سازمان اوقاف گزارش داد:

سازمان اوقاف

خواهشمند است موضوع گزارش سرکنسولگری شاهنشاهی ایران در استانبول را مورد توجه و بررسی قرار داده و از نظری که در این باب دارند، وزارت امور خارجه را مستحضر نمایند.^۱

منوچهر آزمون، معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان اوقاف در پایین نامه مذکور چنین نوشت:

۱. آیا اعتیاری برای کمک به چاپ این رساله وجود دارد؟ باید تحقیق شود درآمد کدام موقوفه برای چاپ کتب مذهبی اختصاص دارد؟
۲. معین شود بیست و پنج‌هزار لیره ترک چند تومان می‌شود؟^۲

در تاریخ ۱۳۵۲/۱۱/۱۸ دفتر ریاست سازمان اوقاف با امضای منوچهر آزمون نامه‌ای خطاب به شریعتمداری نوشت؛ بدین مضمون:

حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سید محمدکاظم شریعتمداری دامت برکاته با عرض سلام و استعلام از سلامتی وجود شریف، به استحضار می‌رساند آقای پروفیسور گل پینارلی استاد دانشگاه ترکیه که خود شیعه‌مذهب است، رساله توضیح‌المسائل آن حضرت را با کسب اجازه قبلی به ترکی ترجمه کرده تا چاپ، و بین شیعیان ترکیه توزیع نماید. وی امکانات مالی برای چاپ آن را ندارد لذا پیشنهاد کرده برای چاپ پنج‌هزار جلد از رساله مبلغ ۲۵۰۰۰ لیره ترک تأمین شود. علی‌هذا چون موضوع از لحاظ شیعیان حایز اهمیت خاص و مورد تقاضا و تأیید امام مسجد ایرانیان در استانبول نیز می‌باشد، به نظر اینجانب در صورتی که حضرت آیت‌الله العظمی تقبل

۱. همان، (سند پیوست ش ۲۲).

۲. همان.

مخارج چاپ رساله را که رقمی در حدود ۱۳ هزار تومان خواهد بود بفرمایند، نه تنها کمک بزرگی به ایرانیان شیعه مقیم ترکیه شده، بلکه به جهات عدیده به تحکیم مبانی دینی مردم آن خطه بذل عنایت فرموده‌اند. امید است هرچه زودتر از نظر حضرت آیت‌الله العظمی اطلاع حاصل نماید تا مراتب به اطلاع مترجم رساله رسانده شود.

و من الله التوفیق و علیه التکلان.

منوچهر آزمون. معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان اوقاف^۱

ساده‌انگاری است اگر تصور شود سازمان اوقاف (یا دولت) برای چاپ رساله مبلغ ۱۳ هزار تومان را نداشته، بلکه به نظر می‌رسد منوچهر آزمون عمداً شریعتمداری را درگیر ماجرابی کرده که هدف اصلی آن مقابله با تحکیم مرجعیت امام خمینی در میان شیعیان خارج از کشور بوده است. در هر حال شریعتمداری با درخواست منوچهر آزمون موافقت کرد و مبلغ درخواستی را پرداخت نمود. در تاریخ ۲۸/۱۱/۵۲ سازمان اوقاف طی نامه‌ای به شماره ۲۲۰۵/ح، به وزارت امور خارجه اطلاع داد که: «آیت‌الله شریعتمداری تقبل پرداخت مبلغ درخواستی را فرموده‌اند و برابر ریالی مبلغ مذکور را در اختیار سازمان اوقاف قرار داده‌اند.» همچنین درخواست او را چنین گزارش کرد:

چون حضرت آیت‌الله العظمی علاقه‌مند هستند از نحوه ترجمه رساله مطلع باشند، مقرر خواهند فرمود چند فرم از ترجمه ترکی رساله را به این سازمان ارسال فرمایند تا به استحضار حضرت آیت‌الله رسانده شود.

منوچهر آزمون^۲

در تاریخ ۱۸/۱۲/۵۲ سرکنسولگری ایران در ترکیه طی نامه‌ای محرمانه به شماره ۴۰۰/م، از شریعتمداری به خاطر ارسال مبلغ درخواستی تشکر و یادآوری کرد:

متأسفانه از هنگامی که در نامه قبل برآورد قیمت داده شد، دولت ترکیه قیمت کاغذ را

۱. همان، (سند پیوست ش ۲۳).

۲. همان، (سند پیوست ش ۲۴).

دو برابر اعلام کرده و مخارج چاپ و کاغذ بالطبع تغییر کرده است؛ اکنون برآورد جدید بر مبنای قیمت‌های فعلی کاغذ و چاپ به ضمیمه تقدیم می‌شود تا اگر تصویب شد، هر چه زودتر حواله بفرمایند.

سرکنسول - حسین داوودی^۱

در پیوست نامه مذکور، تفاوت قیمت قبل با قیمت جدید به لیره ترک ۲۲۶۵۰ لیره گزارش (۴۷۶۵۰=۲۲۶۵۰+۲۵۰۰۰) شده است.^۲

در تاریخ ۵۲/۱۲/۲۳ وزارت امور خارجه، نامه تشکر مذکور را با گزارش افزایش قیمت کاغذ و چاپ، طی نامه‌ای به اطلاع سازمان اوقاف رسانید. منوچهر آزمون در زیر نامه چنین دستور داد:

آقای سمیعی، چگونگی، به استحضار حضرت آیت‌الله شریعتمداری رسانده شود تا ضمن بررسی ترجمه رساله مذکور بقیه هزینه مربوط را حواله فرمایند که کار چاپ رساله با سرعت انجام شود.^۳

در تاریخ ۵۲/۱۲/۲۵ دفتر ریاست سازمان اوقاف، طی نامه‌ای مراتب را به اطلاع شریعتمداری رسانید و جهت سرعت دادن به کار چاپ، برای بقیه هزینه‌ها درخواست حواله نمود.^۴

در تاریخ ۵۳/۱/۲۶ شریعتمداری در نامه‌ای خطاب به منوچهر آزمون نوشت:

با ابلاغ سلام و تحیات؛ در مورد چاپ رساله توضیح‌المسائل به زبان ترکی استانبولی که آقای پروفیسور گل پینارلی در ترکیه ترجمه کرده است، به عرض می‌رساند، چون برای چاپ پنج‌هزار جلد رساله درخواستی ترکیه که از طریق وزارت امور خارجه

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

تقاضای هزینه چاپ شده است، با اعلام موافقت با چاپ آن در همان کشور، به نماینده خود، جناب آقای حاج احمد عباسی، دستور دادیم که هزینه را به تمام پرداخت نماید. ضمناً متذکر می‌شود که در فرم‌های ارسالی چند مورد احتیاج به تصحیح داشت؛ بهتر است آقای گل پینارلی به تدریج اوراق ترجمه (تایپ یا فتوکپی) را بفرستند که بعد از بررسی کامل مسترد شود.

والسلام علیکم ورحمه‌الله

سید کاظم شریعتمداری^۱

دستور منوچهر آزمون در بالای نامه مذکور چنین بود: «به اطلاع وزارت امور خارجه برسد تا متن کامل ترجمه جهت کنترل توسط آیت‌الله شریعتمداری به تهران فرستاده شود.»

همچنین وی در تاریخ ۵۳/۱/۲۷ در نامه‌ای خطاب به شریعتمداری نوشت:

با عرض سلام و استعلام از سلامتی وجود شریف، به استحضار می‌رساند، مرقومه شریفه مورخ ۵۳/۱/۲۶ وسیله حضرت آقای حاج احمد عباسی عز وصول بخشید. اینک به جهت استحضار خاطر حضرتعالی رونوشت نامه‌ای را که به وزارت امور خارجه ارسال شده است ایفاد می‌دارد.^۲

آزمون در نامه مزبور، به وزارت امور خارجه اطلاع داد که:

آیت‌الله شریعتمداری مبلغ ۴۷۶۵۰ لیره را بابت چاپ رساله تقبل نموده است و چون در نمونه‌های ارسالی غلط‌هایی مشاهده شده، حضرت آیت‌الله علاقه‌مند هستند که متن کامل ترجمه را قبل از چاپ، ملاحظه نمایند، لذا متن کامل رساله را ارسال نمایید.^۳

وزارت امور خارجه طی نامه‌ای محرمانه در تاریخ ۵۳/۲/۵ از سرکنسولگری ایران در استانبول خواست تا متن کامل رساله ترجمه‌شده را ارسال نماید.^۴ سرکنسولگری مذکور در

۱. همان، (سند پیوست ش ۲۵).

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

۳. همان.

۴. همان.

پاسخ، نامه محرمانه‌ای به تاریخ ۵۳/۲/۲۰ ارسال داشت که در آن چنین آمده بود:

از اینکه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سید محمدکاظم شریعتمداری شخصا تقبل هزینہ چاپ را فرموده‌اند، کمال سپاسگزاری ایرانیان مقیم استانبول را که به مذهب خود سخت پایبند و اکثرا مردمانی باتقوا و خدانشناس می‌باشند، به حضور ایشان معروض می‌دارد. چاپ این رساله اساس تقلید شیعیان مقیم ترکیه را مستحکم می‌کند؛ زیرا عده زیادی از شیعیان ایرانی و ترک به واسطه عدم دسترسی به فتاوی بزرگان دینی برای عبادت خود سرگردان‌اند و این امر خدمتی عظیم خواهد بود که انشاءالله مأجور باشد. همان‌طور که فرموده‌اند متن ترجمه رساله ایشان به پیوست تقدیم می‌شود. ترجمه بر اساس نسخه‌ای بوده که در دسترس می‌باشد؛ بنابراین امیدوار است هر نظری باشد تصحیح و اعاده فرمایند که نسبت به چاپ آن اقدام شود.

سرکنسول - حسین داوودی.^۱

در پرونده اوقاف پهلوی (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، چند صفحه ترجمه و تایپ‌شده از رساله شریعتمداری به ترکی استانبولی دیده می‌شود.^۲

در تاریخ ۵۳/۲/۲۵ وزارت امور خارجه، طی نامه محرمانه‌ای خبر ارسال رساله ترجمه شده را به سازمان اوقاف اعلام نمود. دستور منوچهر آزمون در زیر نامه مذکور چنین است: «خدمت حضرت آیت‌الله شریعتمداری ارسال گردد تا تصحیح بفرمایند و نتیجه را اطلاع بدهند که اقدام شود.»^۳

شریعتمداری بعد از ملاحظه اوراق ترجمه‌شده، در نامه‌ای خطاب به آزمون چنین نوشت: جناب آقای دکتر منوچهر آزمون معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان اوقاف، با سلام و تحیت؛ معروض می‌دارد دستور دادیم از تمام ترجمه توضیح‌المسائل فتوکی به

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

عمل آمد و مقابله و تصحیح روی آن صورت گرفت و البته بهتر است که بقیه مسائل نیز ترجمه شوند. ضمناً جناب آقای احمد عباسی جهت تحویل ترجمه و رساله و بقیه هزینه چاپ خدمت می‌رسند. لطفاً سلام و ادعیه اینجانب را به جناب آقای حسین داوودی سرکنسول ایران در استانبول و همچنین به مترجم محترم ابلاغ فرمایید.

۲۳ جمادی‌الثانی ۹۴، سید کاظم شریعتمداری^۱

وجه پرداختی شریعتمداری توسط احمد عباسی به سازمان اوقاف ۱۶۰۰۰۰ ریال بود. آزمون در نامه تاریخ ۵۳/۵/۲۲ اطلاع داد که ۴۷۶۵۰ لیره ترک برابر با ۲۳۰۵۵۹ ریال می‌شود و به مبلغ ۷۰۵۵۹ ریال دیگر نیاز است.^۲

در تاریخ ۵۳/۷/۷ شریعتمداری در پاسخ به نامه آزمون، نوشت:

با سلام و تحیات، در پاسخ نامه ۵۳/۵/۲۲ زحمت افزا می‌شود که جناب آقای احمد عباسی عازم خدمت عالی است؛ ضمناً مبلغ ۷۰۵۵۹ ریال باقی‌مانده مخارج چاپ رساله ترکی در استانبول را تقدیم و پرداخت می‌نمایم که دستور فرمایید به وزارت امور خارجه پرداخت گردد.

سید کاظم شریعتمداری^۳

منوچهر آزمون در تاریخ ۵۳/۷/۱۱ ضمن نامه‌ای وصول مبلغ ۷۰۵۵۹ ریال را به اطلاع شریعتمداری رسانید و اضافه نمود:

سازمان اوقاف با کمال مراقبت، پیشرفت سریع کار را پیگیری خواهد کرد. خداوند قادر متعال به آن حضرت طول عمر همراه با سلامت و سعادت عنایت فرماید.^۴
در این میان، دفتر شریعتمداری با حساب سازمان اوقاف، مبلغ ۴۹۱۴۵ ریال را اضافه

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

پرداخت کرده بود؛ که مبلغ مذکور در تاریخ ۵۳/۱۰/۲۹ طی چکی به شماره حساب ۷۰۵۸۵۹ بانک بیمه ایران به ایشان بازگردانده شد.^۲ احمد عباسی نیز در تاریخ ۵۳/۱۱/۲۰ طی نامه‌ای به آزمون، وصول چک مذکور را اطلاع داد.^۳

عاقبت بعد از حدود سه سال تلاش و هماهنگی، در تیر ۱۳۵۴ کار ترجمه و چاپ رساله شریعتمداری به ترکی استانبولی پایان یافت و جهت توزیع در ترکیه، آلمان و هلند آماده شد. در این میان باز بدهی به بار آمد و باز دست به دامان شریعتمداری شدند. باب‌الله ثقه‌الاسلامی،^۴ امام مسجد ایرانیان و شیعیان استانبول که جهت ترجمه، چاپ و پخش رساله بسیار می‌کوشید، در نامه‌ای «خیلی محرمانه» به سرکنسولگری شاهنشاهی در استانبول (مورخ ۵۴/۴/۱۴) چنین نوشت:

خیلی محرمانه، فوری

سرکنسولگری محترم شاهنشاهی - استانبول

عرض می‌شود چاپ ترجمه ترکی رساله توضیح‌المسائل حضرت آیت‌الله آقای شریعتمداری پایان پذیرفت. بدین‌وسیله دو جلد از آن را ایفاد و اشعار می‌دارد: بابت مصارف چاپ پنج‌هزار جلد از رساله مذکور و حمل و توزیع آن به مناطق مورد نظر (استان قارص، اقدیر، اناطولی، استانبول، کشورهای آلمان، هلند) جمعا مبلغ شصت

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. وی در سال ۱۳۵۴ از مدافعان حزب رستاخیز بود و در دی ماه همان سال راجع به حزب مذکور چنین گفته است: «باعث خوشوقتی است که حزب رستاخیز ملت ایران، اتحاد و اتفاق و از همه مهم‌تر اطمینان به آزادی کامل را فراهم ساخته است... اکنون مملکت ما یک‌حزبی بوده و کلیه فعالیت‌های اجتماعی نیز باید تابع ضوابط خاص حزب (رستاخیز) باشد.» (روزنامه رستاخیز، چهارشنبه ۱۰ دی ۱۳۵۴، ص ۸) تصویر صفحه مذکور روزنامه رستاخیز همراه با تصویر آقای ثقه‌الاسلامی در این کتاب چاپ شده است: رحیم نیکبخت و صمد اسماعیل‌زاده، زندگی و مبارزات شهید آیت‌الله قاضی طباطبایی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، سند ش ۵۴.

و هشت هزار و نهصد و پنجاه لییره ترک خرج شده است که به سبب طول زمان تصحیح رساله و ارسال آن جهت ملاحظه معزالیه و اعاده از ایران و تغییر قیمت‌ها به طور فاحش در استانبول، تفاوت هزینه نسبت به زمان تخمین مصرف [کذا] چاپ (سه سال قبل) تقریباً مبلغ بیست و یک هزار لییره می‌شود. این مبلغ از طریق قرض دستی تهیه و تأدیه گردیده است؛ علی‌هذا خواهشمند است ضمن اعلام نتیجه چاپ رساله و ترتیب ارسال یک هزار جلد سهمیه حضرت آیت‌الله، موضوع تفاوت هزینه را به نظر معظم‌له برسانند؛ تا قبل از حرکت اینجانب از استانبول ادای دین مذکور بشود.

والسلام علیکم و رحمت‌الله

حقیر، باب‌الله ثقه‌الاسلامی^۱

سازمان اوقاف، در خلاصه پرونده تنظیمی، مراحل ترجمه و چاپ رساله را بررسی کرده،

گزارش می‌نماید:

مبلغ ۲۳۳۰۰ لییره ترک از طرف آقای ثقه‌الاسلامی جهت حمل و توزیع کتاب‌ها به مناطق قارص، اقدیر، اناطولی و کشورهای آلمان و هلند مورد درخواست است که این درخواست طی نامه‌ای به اطلاع آیت‌الله شریعتمداری رسیده می‌شود.^۲

احمد عباسی از طرف شریعتمداری مبلغ ۱۰۳۴۵۶ ریال معادل ۲۱۳۰۰ لییره را به آقای ثقه‌الاسلامی - که در آن زمان در قم حضور داشت - پرداخت^۳ و در مورخ ۵۴/۱۰/۳۰ ضمن ارسال رسید آن به سازمان اوقاف، درخواست کرد مراتب به سرکنسولگری شاهنشاهی ایران در استانبول اطلاع داده شود.^۴

در تاریخ ۵۴/۱۱/۱۹ سازمان اوقاف در نامه‌ای «خیلی محرمانه» به وزارت امور خارجه

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری، (سند پیوست ش ۲۶).

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو اسناد، پرونده شریعتمداری.

۳. همان.

۴. همان.

اطلاع داد که مبلغ درخواستی آقای ثقه‌الاسلامی در شهریور ۱۳۵۴ به وی پرداخت گردیده است.^۱

به این ترتیب پس از سه سال تلاش و رد و بدل شدن نامه‌های بسیار با مهر «محرمانه» و «خیلی محرمانه» بین کنسولگری ایران در استانبول، وزارت امور خارجه، سازمان اوقاف، دارالتبلیغ اسلامی و دفتر شریعتمداری و نیز حمایت‌های آشکار و پنهان دستگاه‌های رژیم پهلوی، رساله توضیح‌المسائل آقای شریعتمداری چاپ و در کشورهای ترکیه، آلمان و هلند پخش گردید؛ از طرف دیگر با کوشش کنسولگری ایران در استانبول و حتما نمایندگی ساواک در آن شهر - چون ساواک در همه سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های ایران در خارج کشور نماینده داشت - جلوی ترجمه، چاپ و پخش رساله توضیح‌المسائل امام خمینی گرفته شد.

اداره کل سوم ۳۱۲ ساواک مرکز، در نامه خیلی محرمانه به تاریخ چهارم آذر ۱۳۵۴، به ساواک استان‌ها چنین اطلاع داد: «توزیع و ارسال رساله‌های شریعتمداری [به خارج کشور] از نظر این اداره کل بلامانع است. مدیر کل اداره سوم، ثابتی»^۲

به راستی اگر ترجمه و پخش رساله شریعتمداری کاری مثبت و خدایسندانه برای استفاده شیعیان بود، چرا این اقدام به صورت پنهانی و با نامه‌های «محرمانه» و «خیلی محرمانه» صورت گرفت و چرا در مورد این اقدام، تبلیغاتی صورت نگرفت؟!

پایان ۷۹۳

تکلیفات وارده

- | | |
|-----------|---------|
| ۱- از ... | ۲- ... |
| ۳- ... | ۴- ... |
| ۵- ... | ۶- ... |
| ۷- ... | ۸- ... |
| ۹- ... | ۱۰- ... |

تبیح ملامتاً زوجاتی از طرف شریعتند اری اظهار میدارد :

تشریح فراهانی بسیاریم بنده از تاسوعا و عاشورا موکول شود تا زمیسه مناسب فراهم و گزارش شود زیرا فعلاً غمیش خود را قوی میداند و باید و غمی بوجود آید که خود را تنها احساس کند در صورت نماید و ضرورت فعلاً یک نفر دیگر اعزام شود که با سه نفر آقایان شریعتند اری - گیاه باغبانی ملاقات و احوال را با اطلاع نماید .

۲ - شریعتند اری آقایان حاج آقا باقر قاسمی و شهید و حاج سید علی احضر و نواسانی را مقیم در موت و آبادها گفته است ما با اطمینان همایونی اختلافی نداریم فقط با دولت اختلافی داریم که ممکن است حل شود و شما نیز این مطلب را در مجالس بگوئید و تقاضا نموده که گفتار آنها را - ساوان مرکز کنترل نماید که آنها مأموریت را انجام میدهند یا خیر .

۳ - غمیش روز گذشته اعلامیه جدیدی چاپ و منتشر کرده و به مطالب اعلام کرده مطالب خود را - بگوئید و نترسید و اگر سکوت کنند دشمنی با اسلام کرده اند ولی شریعتند اری اعلامیه ای نداده است فقط اظهار کرده در صورت لزوم و اجبار سخن است در ایام تاسوعا و عاشورا مجالس بر طبق روزنامه گیاهان بگوید .

۱۸۱ - ۴۲۳/۱۰ - ۱۰۰

۱۳۰۲

امام در پیشرو ...

بیرسته آیت الله عظیم ...

... ..

سند شماره ۱: تأکید شریعتمداری بر وجود اختلاف با دولت، نه با شاه

تکلیفات وارده

- | | |
|------------------|----------------------------------|
| ۱- شماره ۳۰۴۹ | ۱- کشفخانه توسط ۲۲۲ |
| ۲- تاریخ ۲۱/۲/۱۳ | ۲- و تکیه مختاریه شده ۲۰۳۰ |
| ۳- تهران | ۳- تقدم خلیف حلی علی نوری |
| | ۴- قسمت اقدام کنند مسأله تهران |
| | ۵- برای اطلاع بداره اداره گلگسوم |

شماره ۳۰۴۹

تاریخ ۲۱/۲/۱۳

۱- فردا ابتداء شریعتمداری در مدرسه فیضیه نخواهد رفت و در منزل سخنرانی خواهد کرد آقای ابهری که آقای مولوی با ایشان اشنائی دارند اظهار نظر میکنند که اگر بعد از ظهر عاشورا در رب مدرسه فیضیه نقل شود و چند نفر از مأمورین انتظامی در داخل و پشت بام باشند و از ورود اشخاص جلوگیری کنند تصور میروند که همین از رفتن مدرسه فیضیه منصرف شود وی اظهار عقده میکند که چنانچه لازم شود چند نیروی شلیک شود موضوع بگش منتهی خواهد شد اینماتب شعرا احتمال میدهم سخن است با این ترتیب اصطکاتی حاصل شود و با حد اقل شعنی سخن مطهر حرم حضرت معصومه یا مسجد اعظم را در صورت عدم موفقیت برای سخنرانی در نظر بگیرد چون آقای ابهری تقاضا داشته که این مطلب بعرض شمسار برسد گزارش شد و اظهار عقیده میکرد اگر خصیصی در مدرسه فیضیه برود جنجالی بها خواهد کرد چنانچه اوامری باشد ابلاغ فرمایند .

۲- در ساعت ۲۳۳۰ شیخ مهاجران در مسجد حسین آباد خطاب بجمعیت اظهار داشته (مردم دست از جان بشوید فردا در تهران وقم کارها بکسره خواهد شد) .

۱۹۱ - ۲۱/۲/۱۳ بدینوسیله

۳۰۴۹



کتابخانه
۲۱/۲/۱۳

۳۰۴۹

تاریخ ۱۳۴۲ و نحوه

۱- تاریخ رقم _____
 ۲- به شماره _____
 ۳- تاریخ ۱۳۴۲/۱۸ _____
 ۴- شماره ۱۱۸ _____

در گذشته بود _____
 در وکیل که نماینده _____
 در تقسیم خلیج فارس _____
 در قسمت اقدام کنند - سازمان شهروان -
 در برای تاریخ بلدان _____

شماره ۱۱۸ - ۱۳۴۲/۱۸

آیت الله شریعتی دارای بطور معرفانه پیشنهاد است زیرا بناواک نموده که یکی از آنها
 ملی شود خانه بی معاصره قرار گیرد و بازار رهنماست داده نشود بنام خلافت است
 انحصار شریعتی در حرکت و چند روزی معطل شود پیشنهاد یا حضرت عبدالمطلب
 محمد در ظاهر* دلیل پیشنهاد بالا را خلاص خود از جوانمردی مراجعین
 و رایج تلقین و استبداد میکند و میگردد در غیر انصورت معجزه بگذرد و با خشنی خواهد
 بود پس در چنین تنگی با یکی از نظریات با مخالفت پیش می آید است و در یکی در تم
 و ایران و اگر با ما ن تمیز شوند و دانسته احتمال صورتی به آن که نظریه اصلاح
 نریا باشد -

۲۱۰ -

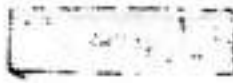
از محل من این کتب به امان
 وضع اندامی که ما اینقدری
 سازمان را که در آنجا
 در همین خیمه سوزانی
 در این تاریخ ۱۳۴۲/۱۸
 در تاریخ ۱۳۴۲/۱۸
 در تاریخ ۱۳۴۲/۱۸

مرکز راه انقلاب اسلامی
 تهران

سند شماره ۳: پیشنهادهای شریعتمداری به ساواک در خرداد ۱۳۴۲

ریاست مآبانه تبران

شماره ۲۲۵
تاریخ ۲۲/۲/۱۷



تهدیه شرعیتمداری

۱- بعد از ظهور بزرگ شده تا جرد و فیض ظنی با تیر و صحبت مخاطب اظهار داشته مردم قصد تظاهرات کنند ولی ما از سرور رفتن چنانچه حرات جلوگیری کردیم تا از شدت کسب در ستون تقابلی شرعیتمداری اظهار توجه و من در وقت و ایشا توبیه میگویم که باید طبق آن عمل شود و اقدام مردم را تا آخر باشد دعوت کند و از تظاهرات حرات جدا شود و اری شود همین از تظاهرات توبیه اری گرفته تا خواهد شد در قم مردم تظاهرات خود در ولی با قوی ایشا من و سرور شدند آخر گوشه با جان مناسبتند از دین پس باید از ایشا من و تظاهرات جلوگیری نمایند

۲- سعی کنید با علم حضرت معلم توحین و احترامی نمایانند من از طرف خمینی سخن ناراحت هستم چند نفر از طرفاً در مگردان و شهرستانها گرفته اند چون ما شاهنشاه مخالفت کردیم بودند خواهرش میگویم ما شاهنشاه مخالفت نگویید بیاختن ناراحتی ایشا من به همین گفتیم که ما شاهنشاه اینطور رفتار نکنیم و برخلاف در پایت سیاست نزنیم اما او گویشند در تا با حسن ریز افتاد در ضمن طوماری هم بنفع من تشبیه نمائید.

۳- تا به ای زمانه الرسول تا ایشی یکی از معتمدین منتظر آید از آن برای کسب تکلیف وسیله شخصی نام رموی برای سرپوشه اری رسید که جواب آن وسیله همان تا حد شایسته میباشم گردید و ضمن آن بسیار رنج و مقرر از راست گفتن نمائید هیچگونه تظاهرات نشود و اجازه ندیدم اعلان کنیم در این تظاهرات حرکت و دستخوشی ایجاد نمایند و حتی الحاق مردم را به سبب و آزار مقرر دعوت نمائید اخیراً همین بسیار رفته و با علم حضرت ما بیرون مخالفت نمود که ربه از اختلاف تمام بود و گویش هم چند کرات ما سید آمد و من مراجع به رفتن رسد تشبیه و دستخوشی در روزها تیرا از کراتی بسیار در ام که گوش نکرد تا که بعد بنهار رسید. بعد از آنکه گفتند نبود که از اعتقادش و تظاهرات جلوگیری نمائید معاذره جارا باز کنند چنانچه احتیاج به بحث و تا کین و یا از ما شد رمزاً اخراج میدهم و قرار ما این باشد که همین نامه را بعد از ابرای خودتان میفرستیم در تملی بر پیشانی با زار است در رعایت اخلاق نمود طوماری هم بفرستیم تشبیه نمائید مقرر فرمائید در مورد بند ۲ ما پاک عزیزتان را امر مطلع نمائید این اطلاعات را آقای بهریر که آقای مژدیه را بشناساند اری در اوردند او وقتست سعی از آن میرود تأیید قطعی ما واک نام میباشد در صورت تصحیح شایسته از طرف شما ریاست به شرعیتمداری اعلام شود که این ربه موجب رعایت ایشان است تا در رفته تیریش من جزوا تمال نمائید.

رئیس مآبانه اطلاعات و امنیت قم

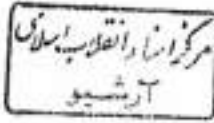
۱۴۷
۵۵۵
۲۲۳-۱۸

۱۱۹۱۲۱

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: روابط شاهنشاهی روحانیون
 محل: تهران
 طبق شماره: ...
 منبع خبر: ماهنامه سپهر
 تقویم: ۲ - ۳

شماره: ۱۱۲۴۴ / ۳۱-۲
 تاریخ حادثه: ۱۳۰۶/۴/۲۶
 تاریخ وصول خبر: ۱۳۰۶/۴/۲۶
 تاریخ گزارش: ۱۳۰۶/۴/۱۷



در روز پنج شنبه ساکنان کربان با اتفاق حریفانه مولوی عزت آیت الله شریعتی در پیروی
 رفتند و خلاصه مذاکرات ایشان این بود که در پیروی مورد تأیید روحانیان در سانسین
 معروض الشریعت رسیده و بعد از آن که در اول و مورد تشبیه رت روحانیان
 بداند که تمام کارها را به دستورین انجام دهد. خند و طعنه می‌آید و اگر او هم بیرون و او را تشبیه
 بد هم روش همین است و تشبیه رآن داد و تمسک و در نشان داد و هم گویند که تشبیه
 دارد تمسک و اما راجع به آزادی می‌گویند چیزی چند نفری به آزادی می‌گویند ولی آن
 چند نفر باید معاف باشند و بعد از آن که در پیروی مورد تأیید روحانیان در سانسین
 و تشبیه رت معنی ندارد. این به نظر آیت الله شریعتی است. روحانیان در سانسین رسیده
 روحانیان در پیروی معافی شده اند و در نهایت می‌خواهند و نسیم دارند رسماً با اطمینان
 در رسد متاسفانه توان بگیرند و در مقابل در سانسین روحانیان باید نبرد با اختلاف
 بشود و این دسته هم با راجع هستند که چرا شریعتی از تشبیه با رولنگی کربان و در و نشی
 ها تماس می‌گیرد تا آنرا که تا روحانیان نیست. او تا آنرا و آثارش می‌شود و با همان می‌کند و انتقاد
 دارند و ارتد و است با تشبیه ساکنان کربان اگر چه جفا می‌کند با پیغام می‌آوردند در سانسین
 اجتماع ساکنان روحانیان بشود تا موافقین هم بتوانند در جلسه آنها شرکت کنند. آیت الله
 مرتضی به میزانی - خونخاری - تبری - تهرانی حاج میرزا محمد الهوند فان زبانی
 از روحانیان این نظریه دارند و آنها را تشبیه می‌کند که صلاح است. بنام جلسه بشود با حضور
 همه آنها و تشبیه این جلسه معلماً بنفع روحانیان و در وقت می‌شود و در رفع اختلاف و سرور و
 استواری خواهد داشت.

اصول و روش‌ها در تشبیه روحانیان
 در پیروی نظام است ۱۵ آورده
 باقی نمانده است

سند شماره ۵: مذاکرات شریعتمداری با پاکروان در مورد درخواست‌های روحانیان



مخت وزارت
سازمان اطلاعات ایت کشور
سی. ۱۰۰۰۱۰۱

تاریخ ۱۳۵۵ / ۸ / ۱۲

شماره ۱۵۹۷۱

شماره پرونده گیرنده

شماره پرونده فرستنده

گیرنده: هیئت ریاست ساواک
مدیریتکل اداره سوم

فرستنده:

شماره مطب: ۴۴۸۰۳۸

شماره ۴۴۸۰۳۸

موضوع: سخن رانی آیتاله شریعتداری در مسجد اعظم قم

ساواک قم گزارش مینماید: بین طلاب منتشر میشود که آیتاله شریعتداری ضمن درس در مورد آزادی آیتاله خمینی واقعاً معموله در مرکز سخنرانی خواهد نمود لذا ساعت ۹ صبح روز ۱۷/۷/۵۲ در حدود ۲۰۰۰ نفر از طلاب برای شرکت در درس و استماع سخنرانی تا سرحد در مسجد اعظم اجتماع مینمایند و مشارالیه پشت میزبان قرار گرفته اظهار مینماید:

- ۱- ما در این مدتی که در تهران بودیم فعالیت‌های زیادی برای استخلاص خمینی نموده تا اینکه او آزاد - کردیم بطوریکه قصد داشتند خمینی را اعدام کنند فعلاً "آزاد است" و این صلحت را در این دانستیم که با مردم تماس نداشتند و در منزل شخصی بسربرد
- ۲- در مورد نظام و شیعه و معمولیت طلاب اقداماتی که نمود و قرار است از بردن طلاب بسیاری خودداری شود
- ۳- در این مدت که ما اینجا بودیم دولت محدودیت‌های زیادی برای ما فراهم و ما را بعنوان مختلف ناراحت و از انتشار اعلامیه و بیانیه‌های ما جلوگیری مینمود و نشریه‌هایی بر طبقه ما توسط افرادی مغرب بنام هیئت ملحدین تم منتشر میکردند که از انتشار آنها جلوگیری نمیدادند از طرف بعضی اینها ما شناسایی این اعلامیه‌ها که اکثراً "طلاب و افرادی تا باب هستند بمن معرفی کردید که ما به آنها را از بین طلاب و روحانیون طرد نمودیم
- ۴- ما مبارزات خود را تا حصول نتیجه نیایی ادامه خواهیم داد و ساکت نخواهیم نشست
- ۵- در مورد مجلس شورای ملی و نمایندگان منتخبه گفتاست که این مجلس را مردم قانونی میدانند و مجلس است تعیینی و بیشتر نمایندگان انتخاب شده نمایندگان ملت و مردم نیستند و اکثر آنها صحنی بیسواد و نالایقند

من یکی از آنها را می‌شناسم که بعد از سرور با او مصافحه کردن یاد میدادند. در جلسه آتی او شرکت خواهد کرد.

ش. د. ت. س.

۱۱/۸/۵۲ (۱۳۵۲/۸/۱۱)
۴۴۸۰۳۸

شماره ۶ (صفحه اول): گزارش سخنرانی شریعتمداری بعد از مراجعت از تهران به قم

گیرنده	تاریخ
فرستنده	شماره
شماره	شماره پرونده گیرنده
پوست	شماره پرونده فرستنده



نخست وزیر
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک
- ۲ -

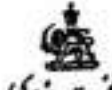
موضوع

۱- آوردن مانع و مساله مأمورین مخفی انجام شد و با رابدون اینکه اطلاع داشته باشیم و باید همراه خودمان باشد بقم آوردند و همچنین آمثال میلانی را بمشهد فرستادند .
در ساعت ۱۰۳۰ جلسه ختم و تفاق رخ نداد ما مست.ج

فرستنده: رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

مستور: [نام مستور]

۹۳۰۸-۳۸

..... تاریخ	 مختصات وزیر سازمان نظامی و تربیتی کشور تهران کیرنده
..... شماره	 فرستنده
..... شماره پرونده کیرنده	 شماره پرونده
..... شماره پرونده فرستنده	 پیوست

موضوع

رونوشت تلگراف شماره ۱۲۱-۴۳/۳/۷ ساواک مشهد

روز جاری نامه‌ای از طرف خمینی جهت میلانی ارسال ضمن آن خمینی اظهار اشتهاست که اطلاعیه ۱۲ محرم را - شریعتداری امضاء ننموده ولی آقای نجفی آنرا امضاء و طبع و نشر شده و ضمناً از اختلافاتی که بین وی و شریعتداری وجود دارد اظهار تاسف و ناراحتی نموده و از میلانسی درخواست کرده بوسیله‌ای تأکید نماید که وی از ارسال خلاف دین خود در این مورد اجتناب نماید و اعلامیه‌های تهیه و منتشر نماید قبولی نامه مزبور بستی تقدیم خواهد شد ۱۲۱-

۴۳/۳/۷ خسرو زان

رونوشت بر ابراهیل است. ه. لعل در پرده خیرینیا چنانست

از بنفشه در پرده سینه سینه چنانست

۴۳-۳۰۷-۲۸

۶۳.۳.۲۹

سند شماره ۷: اعتراض امام خمینی علیه اعمال خلاف آیت‌الله شریعتمداری

گزارش اطلاعات داخلی

شماره:	شماره:
تاریخ حادثه:	محل:
تاریخ وصول خبر:	رصد شماره:
تاریخ گزارش:	تاریخ خبر:
	تقریب:

بگلی - حجر مازه

مطالعه‌کنندگان کلام امام تعالیه .
 ملاقات با آقای شریعتی آری . ماهی پشربه شد اری اظهار داشت آقای خمینی ملاقات و مذاکره نماید بخت
 کرده است مدتی جهت خروج ده به بنگاه ازمزمین ریخته و تان و نیز ما را هم گرفته است برای اینکه بیرون
 هوس خود برسد شریعتی آری حرفهای او را تائید کرد در پاسخ نحوه مبارزه با ولایت شریعتی آری -
 گفته نظر من صحیح نیست که بین دولت و روحانیت اختلاف باشد. آنچه در این موقعیت احساس کسیه
 نهضت ان سلک و مردمی اختلاف در میان آنهاست . هر دو مورد توافق تشکات شریعتی آری اظهار عاقل پس
 کرد که بعضی از موارد فعلا صلاح نیست که روی آن اظهار آید . شود ملاقات با آقای حقوق بین زن و مرد
 ماهی گزارش کرد . است در روزی که کلمه مالی بشری ایران شریعتی آری نشاء اکثر از طلمه های طرفدار
 او نیز مستخدم متوجه همین خواهد شد .
 ملاقات با آقای نجفی . به مجرد بکه ماهی در اطراف اوضاع نیز از آنانم نجفی حیوان کرد وی جواب داده
 من با این امر کاری ندارم و در اطلاع هم نمکم انگال در بن شود راستیون کنیم .

مرکز اسناد و انتشارات اسلامک
 تهرانیو

بسمه تعالی ۱۳۷۱-۱۳۷۲

پیشگاه مبارک علیحضرت بهایون شاهنشاهی

بسمه تعالی
 بسمه تعالی و تقدیم ادعیه خالصانه استماع حضرت
 قصه نبوت ذات بهایون بیرونیات شکران و تاجیه
 در روز افزایم کرده است شکر فدا را اگر بجز که نشسته
 و آفت برهمنو مبارک نرسیده است ارغده او نه سال
 که باشد سلام را از فیض عمر حضرت در گذار
 خداوند بفرماید خداوند حضرت را شکر کند
 و مونس شریف را مونس حضرت را شکر کند
 دستور فرماید که نعم عزام شوند و با جبهه
 و باره از سلطان دست عبادت بفرمایند
 در روز شکر از این مبارک تقاضا کرده مسرت
 گرفته دستورات عالی را صادر فرماید
 کلام بهایون



<p>شماره: ۴۴ - ۶۰ / ۱۳۵۸ تاریخ صادره: ۴۴ / ۷ / ۹ تاریخ وصول خبر: ۱۳۵۸ تاریخ گزارش: ۴۴ / ۷ / ۲۱</p>	<p>موضوع: مدرسه دارالتبلیغ اسلامی محل: تهران عطف بشماره: - منبع خبر: ۱ - ۳ و ۴ نوع: ۲</p>
---	---

خیابان محرمزاده

طبق اطلاع واحد یکی از طلبه های طرفدار سرمختداری بنام شیخ حیدر احمد پامانی اهل اردبیل در حضور دوستان خود اظهار نموده آقای خمینی در مورد مدرسه دارالتبلیغ اسلامی با سرمختداری بسیار مخالفت میکند شما اطلاع نمودید و حتی آقای سرمختداری پیشکار خود آقای شیخ فلاخرها زنجانی را نیز آقای خمینی فرستاده که بمشارکت بکشد بقیه پول ما سخنان مدرسه دارالتبلیغ بایستی در مدت ۱۵ ماه دیگر پرداخت شود چه خوب است شما هم در این باره کنش بکنید که آقای خمینی از این حرف شیخ فلاخرها زنجانی ناراحت شده و گفته است آنچه حرفی است که مزین بر سرمختداری بگو خود نمیاید اینجا تا من جوابش را بدهم. سرمختداری حق ندارد در دارالتبلیغ درست کند. و اگر هم از مردم در مورد سرمد چنین ساختاری بنام مدرسه دارالتبلیغ کند خواسته باشد مردم نباید چیزی بدهند تا چیزهای دیگر احتیاج داریم تا وسایل بهتر از این احتیاج داریم. من میدانم چرا اینجا در مقابل دستگاه دارند باشد مخالفت میکنند آنها مخالفت طلبی نه پنهانی. من کدام دردم را برسم. همین کارهای مایهت شد کسی نمیتوانم از اقدامات خود نتیجه بگیرم. یکی درباری میفود تا حکم او صادر شود. یکی سازمانی میفود یکی جاسوس میفود. همه اینها بفکر دنیا میفودشان قدم بر میدارند فکر دین و قرآن و آخرت شیخ نیستند من چگونه بتوانم مخالفت کنم و حال آنکه مردم از هر طرف بمن حمله میکنند آقا چیران چه فو شد آیا تا حال چه کرده. مردم حق دارند دیگر خبر از مخالفت طلبا باینگ دیگر ندارند که اینجا هر کدام برای راست فعالیت میکنند. شیخ فلاخرها زنجانی من گفته های خمینی را برای سرمختداری تحریف کرده و همچنین مناسبت سرمختداری ناراحت شده و اظهار نموده من میخواهم مستقل شوم و کاری بکار هیچکس از طلبا ندارم هر کسی بجز این خود برای اسلام فعالیت میکند آقای شیخ کبریا احمد پامانی بدوستان خود گفته است کار خمینی بدو بوده این مخالفتها بطرف دولت تمام خواهد شد. و اگر نخواهند این دولت با هم معا

کند حوزه متلاطم خواهد شد. من نظریه: این سرمختداری را من نمیخواهم. این سرمختداری را من نمیخواهم. این سرمختداری را من نمیخواهم. این سرمختداری را من نمیخواهم.

اسلام خلی محرمزاده
 در روز ۲۱ / ۷ / ۱۳۵۸
 ۱۳۵۸

سند شماره ۱۰: مخالفت شدید امام خمینی با دارالتبلیغ



مجلس شورای اسلامی
سازمان نظامی ایتام کور
تهران

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: ملاقات با آقای آیت الله شریعتمداری محل: تهران طبقه: شماره تاریخ: ۴۰ - ۵ تقویم: بهمن	شماره: ۴۰۸۰۰ تاریخ حادثه: ۴۴/۱/۷ تاریخ وصول خبر: ۴۴/۱/۲۹ تاریخ گزارش: ۴۴/۱/۱۳ <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; display: inline-block;"> ایلی مت زمانه </div>
--	--

برابر اطلاع دریافتی که صبح روز ۲۷/۱۲/۴۳ با آیت الله شریعتمداری انجام گرفته از ایشان سؤال میشود که نظر شما در باره وضع کنونی چیست و طبع کار کشیدن شما در جریانات اخیر که جزء آن معتقد هستید لکن بزرگی به نهضت آزادی ایران زده بچه صورت میباشد. آیت الله شریعتمداری در جواب اظهار میدارد ضمن بیان خود را از وظایف دینی و روحانیت فراتر گذارد و حتی نظام امور کار خود را بدست داده آن ماجرا جوید بین داد و بھود اینک با مورد بررسی بهره ازد وقت خود با صرف کارهای سیاسی و مخالفتها بهجا میخورد. ما در ابتدا از ایشان حمایت میکردیم سپس شروع بانظار و گوشزد های لازم با و کردیم ولی ضمنی کسی نبود که ما این گوشزد ها توجهی بنماید اقدام بدان اعلامیه ها نمود و گفتارهاییکه نباید میگفت اظهار توجه میداشتیم و این بود که موقعیت مرجع تقلید شیعیان جهان را کنترل کرد ما چون این غریبکاری را از او دیدیم خود ما را کار کشیده و بنامش مشغول شدیم تا مسلمانان بهر از جریانات اخیر و این سلطنت و دولت دیگر انتصابی بنامش نهی مانده اند. مضمون این اوضاع ضمنی و هوا داران او هستند که موقعیت روحانیت را بنظر انداخته اند. ما هرگز نمیخواهیم بچنگ ایران در این سرماز خود که بعد ازترین سلاحها مجهز هستند برهم میخوردند تا سلطنتی بهمانند بچنگ در نفس واحد اسلام

تاریخ: ۱۳۸۱
 شماره: ۳۲-۱۱۲۸
 تاریخ: ۱۳۸۱
 شماره: ۳۲-۱۱۲۸

خیلی و حرم مازنه

گزارش خبر
گروه نشریات

شماره ۱۳ - ۱۳۲۹

۱ - تاریخ رونق - ۱۵ / ۷ / ۸۸

۲ - تاریخ رسیدن خبر به مرکز مطبوعات - ۱۵ / ۷ / ۸۸

۳ - تاریخ رسیدن خبر به مرکز مطبوعات - ۱۷ / ۷ / ۸۸

۴ - ملاحظات مطبوعاتی

شماره ۱۳ - ۱۳۲۹

۱ - تاریخ رونق - ۱۵ / ۷ / ۸۸

۲ - تاریخ رسیدن خبر به مرکز مطبوعات - ۱۵ / ۷ / ۸۸

۳ - تاریخ رسیدن خبر به مرکز مطبوعات - ۱۷ / ۷ / ۸۸

۴ - ملاحظات مطبوعاتی

موضوع آیت اله شریعتداری

محل
تبریز

از روز دوشنبه ۱۳ / ۷ / ۸۸ آیت اله شریعتداری در تدریس درس خارج خود به طلاب علوم دینی در مسجد اعظم از صبح و با یکت شروع کرده است لذا در محاسبات ساعت ۸ با یاد از امروز سه شنبه سخن را چنین آغاز کرد است آنها در اسلام ولایت قوم با حکومت است ؟ با حکومت مومنین است سوا . و بقول امیرالمؤمنین آنها سیاست از دیانت جدا است ؟ آنها پیغمبر اسلام در ضمن رسالت و دعوت حکومت و سلطنت هم داشت ؟ و بطور کلی آنها در معانی اسلامی سلطنت با اولیا دین است یا نه ؟ در پاسخ همه این سئوالات با هیبت گفت بلی . یعنی دین از سیاست جدا نیست و در معانی اسلامی حکومت حق پیشوایان دین است منتها روی چه محذوری نتوانستند تاکنون به این موضوع جامع عمل نباشند یعنی است جداگانه . روی گفتار قلی سیمین قسمت اعظم فقه اسلامی را احکامی از قبل دیانت . قصاص . بیع . تجارت . ازدواج . طلاق و . . . تشکیل میدهند . حالا پیغمبر اسلام توانست در زمان خود رسالت را با حکومت و سلطنت وفق دهد ولی بعد از ایشان جانشینان وی روی حمایتی دیگری نتوانستند سر بسند حکومت تکیه زنده بطوریکه امروز ما هم نمیتوانیم چنین کاریرا انجام دهیم ولی این دلیل بر این نیست که این حق بر ما مسلم نیست .

نظریه منبع ———— معقیده من شریعتداری در این گفتار خبری نداشته .

نظریه رهبر - جناب ———— عقاید گزارش صحیح است . (از من است) .

نظریه امنیت داخلی ———— عقاید گزارش صحیح است .

گزارش خبر

گروه نشریات

شماره ۱۳ - ۱۳۲۹

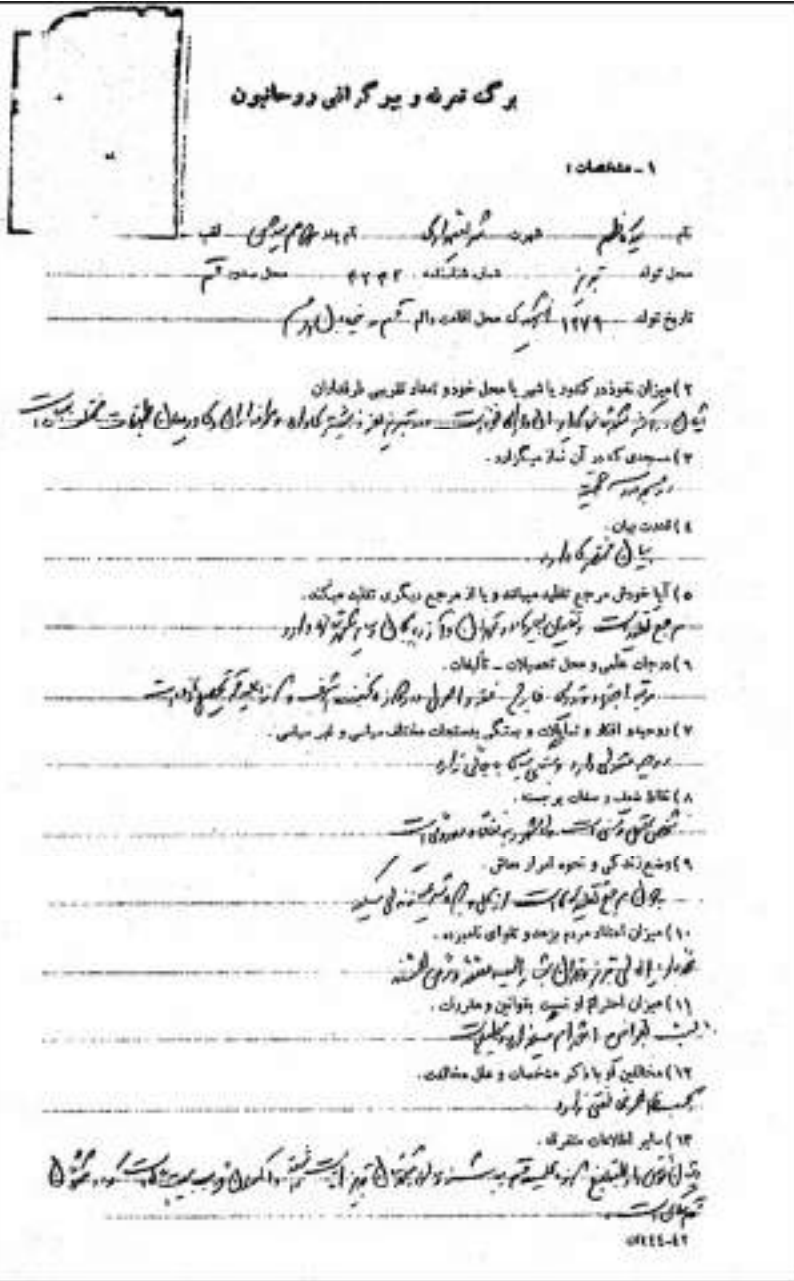
خیلی و حرم مازنه

گروه نشریات

شماره ۱۳ - ۱۳۲۹

سند شماره ۱۳: گزارش ساواک از جلسه تدریس شریعتمداری با موضوع تشکیل حکومت توسط فقها

برگ قره و بیوگرافی دو صاحبون



نمري

۲۱۱

گزاشته

در باره : شيخ اسدالله رياضي نرزند قنبر

محرر ما " باستحضار ميرساند :

سازمان اطلاعات و امنيت قم اعلام داشته اخيرا " ناچرده بالا (۱۱) نقره نامه وسيله جهت آقا نخست وزير و وزير بارشاهنشاهي آقا و معينيان ، انتظام ، دكتوريا هر دو امام جمعه تهران ارسال داشته و در بعضي از نامه ها از پيشگاه مبارك الطيحه حضرت همايون شاهنشاه آريا مير تقاضا و كمسك مادي نمود و پيشنهاد اش در زمينه تأسيس دانشگاه اسلامي ارائه و اقدامات آيت الله شريعتداري را مورد انتقاد قرار داده است .

باياد شده بالا در نامه اي كه جهت جناب آقا نخست وزير و امام جمعه تهران فرستاده صورتش از اسوال منقول و غير منقول آيت الله شريعتداري را بشرح زير برشمرده است :

۱- باب خانه در خيابان ارم و كوچه هاي شريعت وارک در شهر قم
 ۲- محلي بنام دارالشمس اسلامي در خيابان صالحه و ۳۱ باب خانه در قم و تهران به ضميمه دارالشمس مذكور .

۳- ۶۰۰ هزار خرگزين در مسجد و ده ميدان فرح قم

۴- كتاب دارالشمس در تهران با نضمام پاساژ ۱۵۷ شماره و ۲۵۰ پلاك وابسته به دارالشمس

۵- وجوه نقد يد در بانكها و مختلف

۶- ۵۰۰ تنه عاني

۷- حدود ۳۰۰۰۰ ريال فايدات مجله بهام شادي .

لازم به ياد آوريد كه ناچرده بالا " به نقره نامه جهت نظامات عاليه ملكش ارسال داشته بسود و در بررس كه از متن نامه هاي معلق آمده بود اشارت به حسن تفهيم اعمال آيت الله شريعتداري از پيشگاه همايون تقاضا و مساعدت را نمود و بود كه سازمان مذكور اشعار داشته بود كه چنانچه تسويب شود بطور غير مستقيم ميتوان از او در مورد آيت الله شريعتداري زير انگشي نمود . مراتب بهر حال رسيد مقرر شد :

۱- نامه ها توزيع گردد

۲- در پوشش مناسب يا وي مناسب گرفته شود .

در اجراء او امر صادره اقدام سازمان اطلاعات و امنيت قم اعلام داشته بود كه نتيجه اقدامات معموله

۲۱۲
 باب
 ۶۶۱۵۱
 ۱۳۵۱
 ۲۱۲

۱۵

یاد شده بالا در مورد تخلفات آیت الله شریعتی اروا طهارت داشته بود که در التعلیق اسلامی مسدود و مجوز قانونی است و آیت الله مزبور ما هائنه حد و حدس میلیون (۳۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال بعنوان سهم الا سهام از مردم دریافت می نماید و چنانچه مخارجی که جهت طلاب انجام می دهد سه میلیون (۳۰۰۰۰۰۰۰) ریال قرار کنیم و هزینه هائی که جهت امروذ همین می باشد شد. میلیون (۶۰۰۰۰۰۰۰) ریال بحساب آوریم آیت الله شریعتی در خرمشهر مبلغ (۲) میلیون ریال در بنگرا صرف خرید خانه و زمین جهت مسجود و اطراف آن شد. می نماید. و شریعتی اروا از هم آنکه در صورت آمدن آیت الله خوش با ایران تحت الشعاع نفوذ وی قرار بگیرد یا نوشتن نامه و سفارش او را از آمدن به تهران میترساند.

مراثب در تاریخ ۱۳/۱۲/۶۱ بحرفه، تیمسار و باجست - ساواک رسید. او امری صادر نفرمودند. مراثب جهت صد و او امر لازم در زمینه ارسال و با عدم ارسال نامه های مورد بحث با مستحضار عالی میسرند ازج

دائرة ایشینت و امور

در حال رسید

۱۳۶۵

۱۳۶۵

۱۳۶۵-۱۳۸۷

خیلی محرمانه

مدیریت کل اداره سوم ۳۱۶
 شماره: ۲۷/۲۲۳۷
 تاریخ: ۹۷/۵/۲۰
 در ساواک
 به نام: ...
 سرپرستی امور خیریه نیکپور

عطف به ۳۱۶/۲۰۶۶ - ۴۹/۴/۲۶

در تحقیقاتی که بعمل آمده سهام بانک پارس متعلق به نیکپور بوده که در هنگام فوت وصیت نموده مبلغ سی میلیون تومان از اهدات بانک فوق الذکر از بابت ثلث جهت خیریه در اختیار آیت الله شریعتداری قرار دهند پس از فوت مشار الیه ورثه وی ابتدا یک میلیون تومان برداشتند و فرار شده تا پانزده میلیون تومان بتدریج ببردازند و پانزده میلیون تومان مابقی را بشرطی برداشت نمایند که صرف مؤسسه ای از قریب بیمارستان پاکتخانه بنام خیریه نیکپور گردد.

رئیس ساواک

م - تهران

در خصوص ...
 به پیش ...
 اصل گردید

۴۲-۶۶۴
 ۹۴۰۰۰

سند شماره ۱۶: دریافت سی میلیون تومان از سهام نیکپور توسط شریعتداری

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع فعالیت آقا بزرگ ابوحسین
 محل تهران
 تلف بشماره
 منبع خبر: ناموریزه
 تقویم: ۲/۳
 شماره: ۱۸۱۰۲/ص ۵
 تاریخ حادثه: اخیراً
 تاریخ وصول خبر: ۱۳/۸/۹۲
 تاریخ گزارش: ۱۵/۸/۹۲

بمطابق اطلاع آقای شریعتمداری زمین واقع در محدوده آن نوزدهم جنب سینما مراد با ارزش در میلیون تومان به عنوان خمس و سایر امور مالی از مرحوم اخوان یکی از شرکتهای آن بنا به پشیمان که چندی قبل فوت نموده بدست آورده این زمین را در اختیار آقا بزرگ ابوحسین تاجر بازار گذاشته که بنای یک مسجد و یک دانشگاه علوم دینی جهت طلاب را شروع کند و گویا فعلاً مشغول فعالیت ساختمانی میباشند. مسجد و دانشگاه بنا به شریعتمداری ناگذاری خواهد شد ...

کتابخانه
 آیت الله شریعتمداری
 بزرگوار
 سره
 ۱۳/۸/۹۲

تعداد نسخه ۱

گیره گان: اداره کل علوم (۲ نسخه)

۲۹-۱۱۱۸-

سند شماره ۱۷: پرداخت ده میلیون تومان خمس مرحوم اخوان به شریعتمداری

اخبار حیدرآباد
شماره ۱۸ - خرداد ۱۳۵۷

۷ - مجمع ۴۷۷ ۸ - مناسبت ۹ - ۲۶/۷/۴۷۷ ۱۰ - شرح و تفسیر حدیث ۱۱ - شرح و تفسیر حدیث ۱۲ - ...	شماره پستی شماره تلفن شماره حساب شماره ...
--	---

مذبح اظهارات سید صادق شریعتمداری

شماره ۱۸ / ۷ / ۴۷۷ سید صادق برادر آیت الله شریعتمداری در منزل سید حسن حجت اظهار داشت آقایان برادر من شخصی است بد من و بدو سازمان امنیت میباشد و همیشه بر علیه روحانیت فعالیت مینماید و شما وظیفه دارید مردم را از خیانتهای وی مطلع سازید اما اینکه من خودم در این مورد اقداماتی بعمل آورده و تیار - آثار مباحثی مضمون تهران را از مطبوعات بر آورده ام و ارسال نمودم دارم بشیریز و رفاهیه رفاهیه و مردم را مدار کنم سید صادق ایضا افزود همینکه از روحانیون که از سازمان امنیت بیخ در مخالفت دارند بتوصیه برادر دم میباشد و خود او نیز بولهای کلانی را مثل سایر بارها بدو میبرد اما اینکه برای برادرش که فرزند شیخ موسی زنجانی است در تهران خانهای به مبلغ ۱۷۰ هزار تومان خریداری و یک دستگاه ماشین سواری شیک نیز - در اختیار او گذاشته و همچنین وی مسند موزه هم را که در اختیار سید رضا صدر بود باسید توسان بدان موزه تهران که خود بساخته بود عوض نمود و برای جلب رشایست صدر مبلغ یکصد هزار تومان بتأمینده پرداخت نمود و چینی با اقدام برادر دم مخالفت کردم مشارالیه ناچار مبلغ یکصد هزار تومان نیز بمن سلفه داد که مقداری از آنرا پرداخته و من بقیه آنرا اشیا "ماجرای گدا رده ام.

نظریه منبع - نظری ندارد .

نظریه رهبر مطبوعات - مفاد گزارش فوق صحت دارد و بنظر خبرمد سید صادق حجت اخذ حق حکومت چنان اقداماتی بعمل میآورد تا بد بتوسله از آقای شریعتمداری و بعضی در ریاست نماید .

نظریه امنیت داخلی -

سید صادق شریعتمداری
مستاد

۶۸۱۳۰
۹۵۱۵۱

سند شماره ۱۸: سخنان سید صادق شریعتمداری علیه برادرش آیت الله شریعتمداری

رونوشت گزارش خبر شماره ۱۳۱۶ / ۲۱ - ۲ / ۲۰۰۰ - ص ۱۷۲۷

موضوع: ازدواج دختر آیت العظمیٰ العابدی با پسر امام جمعه بجاورد

روز پنجشنبه ۲ / ۲ / ۱۳۸۵ و مجلس عده خصوصی در عتبات العظمیٰ العابدی با پسر امام جمعه بجاورد رسالت شریعت آری منعقد بود. در این مجلس از آیت‌ها گلمایانی، نجفی مرعشی، شیخ هاشم آملی، آقا مرتضیٰ حائری، شیخ کاظم تبریزی (معاون)، سید صادق روحانی دعوت شد. مورد که از این عده سید صادق روحانی در مجلس مذکور شرکت نکرد. آیت العظمیٰ مرعشی بکلمه قرآن نغیس عده پیگرد. مجلس عمومی روز جمعه بعد از ظهر برگزار شد که بعد از نماز اطفال عزم دعوت داشتند. پیش مشکلی نماند. شریعت آری اظهار داشت وقتی برای دعوت بمنزل سید صادق روحانی رفتن ایشان گفته کرد که شما به طلاب گفته‌اید هر کس بمنزل روحانی برود شهریه اش را قطع میکنیم و بعضی گلمایانی هم میگویی که آنها هم شهریه را قطع کنند. این سخن افزود که در جواب گفتیم من اصلاً چنین حرفی را نگفتم زیرا شما با آیت العظمیٰ العابدی در دست و همسایه هستید و در زمانی که در عزم عطیعه هم تاکنون حلقه هیچ طلبه ای را قطع نکردیم.

نظریه شخصی و نظریه نیست. ارد.

نظریه دیگری است. مفاد گزارش صحیح است آیت العظمیٰ العابدی در عتبات العظمیٰ العابدی در کربلا. امام جمعه بجاورد از دعوت منزل و در غیابان ناهم مبلغ چهارمصد و بیست هزار ریال به این تومان برای آنان خریداری شده که با وسایل مورد نیاز بالغ بر ششصد هزار تومان تخمین زده میشود و بطوری که شاید بیست و چهار منزل نیز از آنجا تسبب شریعت آری پرداخت شد و معاشی در امام اول شریعت آری نیز از این جهت ناراحت است و با اصلاح حسادت میکند. موضوع عده شرکت سید صادق روحانی در مجلس نیز بر اساس اختلافاتی است که بین وی و شریعت آری موجود میباشد که سوا بن آن قبلاً تعرض رسیدیم بر امید صادق روحانی در عده تفاوت بین ترکها - در این موضوع برای شریعت آری قابل تحمل نیست. بنابراین اطلاع خطبه عده بوسیله گلمایانی جاری شد. نظریه سلفیه: ضمن تأیید مفاد گزارش غیر نظریه بگذریم با استدلال بر سر آنند حضور گلمایانی در مجلس مذکور و جاری کردن خطبه عده دلیل تردید نیستند و نظرات است.

۱۶۱۱۳۳
۱۶۱۱۴۱
۱۳۸۵ - ۲ - ۲۷
۲۱

رونوشت گزارش خبر شماره ۱۲۳۷ / ۲۱ - ۱۲ / ۱۴ - ۴ / ۲ / ۱۴ - ۲۷۴۰ - ضمیمه

موضوع: اظهارات حاج میرزا اسماعیل محمدشکین

روز ۲ / ۱۴ / ۱۴۰۰ در روز مناسبت با نامبرد عملاً ملاقات خصوصی داشتیم و از هر دو روی سنی و اهل بیت از جدا جدا اظهارات است
 در باره این وضع موجود حوزه و از دست این طلبه ها و ما جدا جویسته شد هم در فماتی خواستیم به آن بیرون بروم و در
 گوشه ای بنشینم و از دست و اشکها شرم و بی شریعتند این نمیکند آمد . طلبه همیشه با حق هائی برابر - ریخته اری
 و دستگاه هم میکنند و جنبشهایی میزنند . مثلا زمانی شایع کردند که آقا ^ع شریعتند اری و یاد خورشید جالبی
 گردانند اری اید و از کردید در صورتیکه طلبی فقط باید خرد اید که آنهم چندین سال است شوهر کرده . همچنین
 چند سال قبل شایع کردید که هلال سابق شریعتند اری آمد م ناد رشتی است آقا تا چار شد خلافتش در - اخیراً یک
 طلبه امر استریکت کرد ماند که باید بگوید زنی را که از طرف شریعتند اری میماند آن تعلیم قرآن میدهد - آقا از او فصد
 کردید در صورتیکه خود اید اند و روح است ولی همان طلبه اد و بعد از او ماند اخته که این زن است - رحالی که
 چندین سال قبل و اولاد و داد و بیاها این مشکلات رو برو هستیم و جواب آن ما جزم از آقا سی
 شریعتند اری هم نقاط ضعفی دارد که از آن ناراحت هستیم ^ع میگویم آقا این من بزرگترم م قسمت داد روح میگویند
 این قسمتی را هم حق میگویند مثلا مردم میگویند چرا حضرت (سید حسن شریعتند اری) همروزی با ترحیم حضرت
 و راست هم میگویند . میگویند بود اری چها رنفرها فلان زن و همروزی ختر هستی چرا شش دستگاه - آنان را ایت
 الحال صغری ؟ مگر این درت اید رسیده بود راست هم میگویند . مردم میگویند آقا شما حاج آقا مجتبی عراقی
 را با اتفاق چها رنفری نمیفرستاد و بعد در دستان بود چهگونی خرج کردید و برگشتند مگر آنجا چکار کردید ؟ چه
 بود و بحال سلام داشت و راست هم میگویند . مشکلی ایا نمیکرد کلمات این وضع را میکنند و با جمع مراجع
 که نشاءا میسند خونشان بیخوش میآید . آیت الله سید محمد حجت مفارح فرزند آتش را چه - ا کرد بود
 آیت الله بروجردی را آیت الله قدس را با عثمان مشکلی بود را وقت مسجد اعظم کرد هوا خود به اید - اشکالا خبره
 حرف زیاد است میخواهم بیشتر از این بگویم همینکه میگویم که هم در مراجع و هم در محافل تدریس است .
 نظریه ^ع نظر وند اید .

نارینه یک ^ع مفاد گزارش صحیح است مشکلی اخیراً ۲۳ دستگاه و شریعتند اری ناراحتند و ما من
 موضوع از جانب سایر مراجع نیز گزارش شده است .

نظریه و جنبشها مراتب بود تا بعد میباشد مراتب جهت استحضار بهر مورد اری های لازم ^ع میگویند .
 نظریه ^ع در برخص هستند .

اصلی پرونده یک ^ع لا میگویم ۹۷۷۰ پی ۱۱۳ است .

در پرونده یک ^ع لا میگویم ۶۶۱۵ با مگونی شود .

۵۱ - ۷۱۳





سرکنسولگری شاهنشاهی ایران
استانبول

شماره ۲/۴۵۵
تاریخ ۲۹-۱۰-۵۴
پست -

محرمانه
=====

وزارت امور خارجه - اداره روابط فرهنگی

بطوریکه استحضار دارند پس از تغییر خط در ترکیه هیچکدام از رسالات فقهای علمای شیعه بزبان و خط ترک "جدید ترجمه نشده است و شیعیان مقيم ترکیه که فارسی نمیدانند از جهات تقلید و انجام امور مذموم خود در محضد و اخیراً آقای پروفسور گل پینارلی استاد دانشگاه که خود شیعه مذہب است رساله "توضیح المسائل" آیت‌الله آقای شریعتداری را که بر مبنای رساله مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی تنظیم شده با کسب اجازه قبلی از مولف بتترکی ترجمه کرده است که چاپ و بین شیعیان ترکیه توزیع شود. انتشار این کتاب که از طرف یک مقام دانشگاهی ترک ترجمه شده مورد تصویب مقامات رسمی ترکیه قرار گرفته ولی پروفسور مذکور امانات مالی برای چاپ ندارد لذا پیشنهاد نموده که برای چاپ پنجهزار جلد از این کتاب مبلغ بیست و پنج هزار لیره (۲۵۰۰۰) که مخارج آن میشود تأمین گردد.

چون موضوع از لحاظ شیعیان حائز اهمیت خاصی و مورد استدعا و تأیید امام مساجد ایرانیان در استانبول نیز میباشد خواهشمند است با سازمان اوقاف مذکور فرمایند که بهر نحو شده چاپ این کتاب رایجی نمایند برای ایرانیان مقيم استانبول که از لحاظ مذہبی بسیار پایبند و متعصب هستند کمک بزرگی است. متأسفانه اینکه زمزمه‌هایی برای چاپ رساله خمینی نیز در بین بود که البته مورد موافقت ترجمین که از دوستان ما هستند واقع نشده است.

سرکنسول - حسین داودی

سند شماره ۲۱: درخواست سرکنسول ایران در استانبول جهت ترجمه و انتشار رساله شریعتمداری

۳۳۰۸۲۰۱۰۰۸۲۰۳۳ هجری قمری

وزارت امور خارجه

سازمان اوقاف

با الهام فتوکین گزارش شماره ۲/۳۵۵ مورخ ۱۳۵۲/۱۰/۲۹ سرکنسولگری شاهنشاهی ایران در استان بول در باره کتک به چاپ و انتشار ترجمه رساله "توضیح المسائل" آیت اله شریعتمداری - بزبان ترکی خواهشمند است دستور فرمایند موضوع را مورد توجه و بررسی قرار داده و از نظریکه در این باب دارند وزارت امور خارجه را مستحضر نمایند.

وزیر امور خارجه

مهر

۱- آید از ائمه علمای برای
 ۲- چاپ این رساله
 ۳- در باره دارنده این رساله
 ۴- در باره این رساله
 ۵- در باره این رساله
 ۶- در باره این رساله
 ۷- در باره این رساله
 ۸- در باره این رساله
 ۹- در باره این رساله
 ۱۰- در باره این رساله

سند شماره ۲۲: نامه وزارت امور خارجه به سازمان اوقاف در مورد ترجمه رساله شریعتمداری



سازمان اوقاف
تهران

۰۲/۱۱/۱۸
ح/۲۱۰۲
تدارک

حضرت آیت الله العظمی آئی‌ای حاج سید محمد کاظم شریعتمداری دامت برکاته

با عرض سلام و استعجاب از سلامتی وجود شریف با استحضار میرساند :

اخیراً آئی‌ای پژوهشگر پینارلی استاد دانشگاه ترکیه که خود شیعه مذهب است رساله
"توضیح المسائل" آنحضرت را با کسب اجازه تیلی بترکی ترجمه کرده تا چاپ و بین شیعیان
ترکیه توزیع نماید . انتشار رساله مذکور مورد تمهیب مقامات رسمی ترکیه قرار گرفته ولی بهر
نامبرده امکانات مالی برای چاپ آنرا ندارد لذا پیشنهاد کرده است برای چاپ پنجمینار جلسه
از رساله مبلغ بیست و پنجمینار لیره ترک تأمین شود . غنیمتاً چون موضوع از لحاظ شیعیان حائز
اهمیت خاص بود تقاضا و تأیید امام مسجد ایرانیان در استانبول نیز می‌باشد بنظر اینجانب
در صورتیکه حضرت آیت الله العظمی نعل مخارج چاپ رساله را که رقمی در حدود ۱۴ هزار
تومان خواهد بود بفرمایند نه تنها کمک بزرگی به ایرانیان شیعه مذهب ترکیه شده بلکه بهجاسات
مدیده به تحکیم مبانی دینی مردم آن خطه بذل عنایت فرموده اند .

امید است هرچه زودتر از نظر حضرت آیت الله العظمی اطلاع حاصل نماید تا مراتب به

اطلاع مترجم رساله رسانده شود . ع

بسم الله التوفیق ولیه التکلان
خواجه آزمون
معاون نخست‌وزیر سازمان اوقاف
تهران



شماره ۵-۲۰۰۵ ح
تاریخ ۱۱/۱۱/۱۳۸۵
پرست - خنکداری

وزارت امور خارجه

بازگشت بنامه شماره ۲۹/م/۴۱۳۱۴ مورخ ۸/۱۱/۵۲
در مورد تأمین مخارج چاپ پنجهزار جلد رساله * توضیح
المسائل * باستحضار میرساند :

حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید محمد کاظم
شیرازی شخصاً تقبل پرداخت بیست و پنجهزار لیره
ترك مخارج چاپ رساله را فرموده اند و برابر مالی مبلغ
مذکور را در اختیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی
خواهشمند است مراتب را به سرکسولگری شاهنشاهی
ایران در استانبول اعلام فرمایند ، ضمناً چون حضرت
آیت الله العظمی علاقمند هستند از نحوه ترجمه رساله
مطلع باشند مقرر خواهند فرمود چند رقم از ترجمه ترکی
رساله را باین سازمان ارسال فرمایند تا ~~حضرت~~

آیت الله العظمی شیرازی
رساننده سرور
با استغفار
شوجبه آرمین

سند شماره ۲۲: پرداخت وجه مورد نیاز مخارج چاپ رساله توسط شریعتمداری

B. Scholulislami
IRANILAR CAHII ISLAMI
Cahmahqılar B. Valde Hax
İstanbul - Türkiye

هو
تقاه الاسلامی
امام مسجد ایرانیان - شیعیان
استانبول ترکیه

۱۳۵۴ ر ۴

کتابخانه حضرت هاشمی - استانبول

خبرنامه

خبرنامه

شورکی عزیزم جواب ترجمه ترک را توضیح این حضرت آیت الله العظمی بروجردی

بفرستید در جلد آنرا انشاء الله و امیدوارم:

بابت معارف چاپ پنجم جلد آن را ذکر و در توضیح آن بحث نمودم:

(در آن قاصد، اقدیر، انطولی، استانبول، کتبه آراکان، جلند) جمیع معنی
شفت و مشتند و تصدیق به ترک خروج شد است که باب اول از این معنی

در آن آن جهت تکلیف معنی الله و اعلام آن در آن و تغییر قیوتی جلد آن حضرت است

تفاوت نیز نسبت بر آن سخن صرف جواب (شد سابقاً) تقریباً معنی است و کلمه بر

بیمه این معنی که طریقی قرض استیجاب و در آن است علیحداً خود است معنی

نتیجه جواب است و ترتیب در آن کلمه جلد نامه حضرت لایزال معنی تفاوت نیز است معنی

تفاوت حرکت این است که استانبول در آن ذکر شد: و بعد بکلمه دوم

حقیراً